

هفته نامه غیربرخط اراده ملت شماره ۱۰۲ جمعه ۱ خرداد ۱۴۰۵



**تنگه‌ای به بزرگی جهان**



هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت

۱ خرداد سال ۱۴۰۵ / شماره ۱۰۲



صاحب‌امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیرمسئول:

رحیم حمزه

سر‌دبیر:

علیرضا مقدم

مدیر اجرایی:

حسن غلامی

ویراستار:

مریم کوشکی

همکاران این شماره:

محمد حسین واحدی / رضا فضلعلی / فاطمه

قدم / فاطمه وهابی زاده / عباس امامی /

محمد حسن واحدی / علی مجدم / افشین

فرهانیچی / مریم کوشکی / رضا فضلعلی /

لطفعلی عاقلی / یگانه ریکا / ونوس ثنایی

نشانی:

خیابان جمالزاده شمالی - نبش کوچه زند - ساختمان

۱۱۰- واحد ۲۲

تلفن:

۰۲۱۶۶۴۳۱۶۱۶ - ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است



۳..... روی دیگر سکه : فریب!.....

۴..... سرمقاله: تنگه‌ای به بزرگی جهان:.....

## بین الملل

۷..... تمرکزگرایی در ساختار قدرت: کاهش اعتماد و مشروعیت بین‌المللی.....

## مصاحبه

۹..... «سلامت عدالت محور» مفهوم جدیدی در ادبیات سیاست اجتماعی کشورمان است که به همت و ابتکار دکتر افشین فرهانیچی ارائه و پیگیری می‌شود.....

## سیاست

۱۲..... چرا در جامعه اعتراض شکل می‌گیرد و چگونه باید آن را حل کرد؟.....

۱۳..... ژاپن و ایران در یک مسیر، حسرت‌های بر باد رفته یک ملت.....

۱۴..... ایجاد وفاق در پسا جنگ.....

۱۸..... جنگ در آستانه: واکاوی شکاف میان هیاهوی رسانه‌ای و منطق ژئوپلیتیک.....

۱۹..... تغییر رژیم از طریق مداخله نظامی: چرا این گزینه درباره ایران منطقی نیست؟.....

## اقتصاد

۲۱..... اقتصاد سیاسی جنگ رمضان.....

۲۲..... توازن قدرت و قانون: تحلیلی بر ابطال مسؤولیت تضامنی مدیران در دیوان عدالت اداری.....

۲۳..... تهدید طلایی بخشودگی جرایم سامانه مؤدیان: فرصت‌سازی.....

## اجتماعی

۲۵..... منطق صلح و بازآرایی هویت ملی.....

۲۶..... وضعیت کارگران ایران پس از جنگ اخیر: میان ناامنی شغلی، تورم و فرسایش معیشت.....

۲۸..... چه خواهد شد؟.....

## معرفی کتاب

۳۱..... اندیشه‌ها باید چه کاری انجام دهند؟.....

۳۳..... نقد و بررسی کتاب «جنگ از نگاه کودکان».....

## بیانیه

## اخبار حزبی

۴۱..... تعویق برگزاری کنگره یازدهم حزب اراده ملت ایران.....

۴۱..... انتشار شماره ۳۰ فصلنامه خاطرات سیاسی.....

۴۲..... صدور بیانیه حزب اراده ملت ایران به مناسبت روز جهانی کارگر.....

۴۳..... آخرین اخبار از انتشارات حزب اراده ملت ایران.....

۴۴..... معارفه سرپرست جدید اداره کل سازمان‌های مردم‌نهاد و خیرین سلامت.....

۴۵..... ترامپ با اظهارات ضد و نقیض در حال پیشبرد بازی خاص خود است.....

(بعضی از مطالب این نشریه گردآوری می‌باشد و بسیاری از عکس‌ها از سایت‌های مختلف برداشته شده است.

از همه تهیه‌کنندگان اولیه تشکر می‌نمائیم)

## روی دیگر سکه: فریب!



رحیم حمزه

اساس یک تضمین خیالی حاصل می شود.

از دیدگاه تحلیل گرایانه، در عصر اطلاعات گاهی اعتماد به منبع، مهم تر از خود اطلاعات است. دشمن با تولید محتوای تحلیلی به ظاهر متعهد یا بی طرف، مجوز ورود به ذهن ها را می گیرد. وقتی این محتوا با هدف ایجاد حس «قدرتمندی کاذب» ترکیب می شود، اثرات ویرانگری دارد. چرا که جامعه ای که حس می کند قوی تر از آن چیزی است که واقعا هست، یا ضعیف از آن چیزی که می تواند باشد، در هر دو حالت، از تعادل خارج می شود. اما در سناریوی فریب پیروزی، جامعه دچار تکبر استراتژیک می شود؛ یعنی فکر می کند بدون صرف هزینه ی بیشتر و بدون دقت در جزئیات، به قله خواهد رسید. و این همان چیزی است که دشمن می خواهد. این روی دیگر فریب، یک اصل ثابت در تاکتیک های سیاسی است: «ساده سازی پیچیدگی ها برای ایجاد آرامش گمراه کننده». دشمن نمی خواهد ما بترسیم؛ بلکه می خواهد ما تشجیع شویم. وقتی ما تحت تأثیر این تحلیل ها، احساس غرور کاذب می کنیم، دیگر به دنبال نقد درونی، اصلاح ساختارها و تقویت زیرساخت های واقعی نیستیم. ما به جای عمل آگاهانه، به امید واهی و غرور کاذب تکیه می کنیم.

بنابراین، بصیرت واقعی در گرو شکستن این جادوی زبانی است. ما باید بیاموزیم که هر تحلیل و آماری و هر پیش بینی، لزوماً بازتاب دهنده ی واقعیت عینی نیست، بلکه می تواند ابزاری در دست بازیگران جنگ روانی باشد. دشمن با ایجاد این حس قدرتمندی کاذب، می خواهد ما را در دام «راحتی خطرناک» گرفتار کند. و در این نبرد ناآگاهانه، بزرگ ترین پیروزی دشمن، زمانی حاصل می شود که ما بدون آنکه متوجه فریب شده باشیم، از آمادگی لازم برای مواجهه با واقعیت های تلخ آینده، باز بمانیم. پس باید همواره به یاد داشت که در میدان نبرد ذهن ها، گاهی غرور، بزرگ ترین دشمن بصیرت است.

در فضای پیچیده جنگ های ترکیبی قرن بیست و یکم، رسانه ها و عملیات روانی بسیار بیشتر از سلاح ها ابزار نابود کردن به شمار می روند؛ دقت نظر داشته باشیم که اینها تنها ابزارهای نابود کردن نیستند، بلکه ابزاری برای ساختن واقعیتی وارونه نیز به شمار می روند!

ما عادت داریم به فریب نظامی به عنوان ابزار دفاعی و تاکتیکی نگاه کنیم؛ استراتژی هایی که دشمن را گمراه می کند تا به خطای محاسباتی دچار شود. اما کمتر به این جنبه توجه می شود که دشمن چگونه از فریب برای ایجاد اعتماد به نفس کاذب در ما استفاده می کند. این پدیده که می توان آن را روی دیگر فریب نامید، خطرناک تر از هر بمبی است، زیرا ریشه در روان شناسی جمعی و فلسفه ی ادراک حقیقت و اقناع دارد.

از منظر فلسفی، حقیقت همواره چند لایه است. دشمن هوشمند می داند که برای شکستن اراده ی یک ملت، نیازی به تحقیر آن نیست؛ بلکه کافی است تصویری واقع گرایانه اما گمراه کننده از قدرت و ضعف ها ارائه دهد. وقتی تحلیل های مغرضانه ای با ادبیاتی علمی، آماری و تحلیلی منتشر می شوند که در ظاهر بی طرفانه اند اما در باطن حاوی پیام های پنهان برتری مطلق یا شکست قطعی هستند، هدف آن ها فراتر از جنگ اطلاعاتی است. هدف، ایجاد یک سندروم پیروزی زود هنگام در جامعه هدف است.

این نوع فریب، استراتژی نرم افزاری است. وقتی عوامل دشمن با زبانی شبیه به کارشناسان داخلی، سناریوهایی را ترسیم می کنند که در آن پیروزی های بزرگ و ناگهانی تضمین شده است، ناخودآگاه جمعی جامعه را به سمت غفلت از آمادگی سوق می دهند. انسان در حالت اطمینان کاذب، هوشیاری خود را کاهش می دهد. ما ممکن است فکر کنیم که چون تحلیل ها چنین می گویند، پس راه پیروزی هموار است. این همان نقطه ضعفی است که دشمن هدف قرار می دهد. آن ها می خواهند ما در چارچوب منطق فریب آن ها گرفتار شویم؛ جایی که پیروزی نه بر اساس تلاش و تدبیر، بلکه بر



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵



# تنگه‌ای به بزرگی جهان:



علیرضا مقدم

تاریخی همواره در جریان بوده‌اند، هرمز مانند یک شمشیر دو لبه آویزان است. از یک سو، نماد حاکمیت ملی ایران است و از سوی دیگر، نماد تضمین‌کننده انرژی جهان. این تناقض، هرمز را به پیچیده‌ترین گره سیاسی قرن‌های اخیر تبدیل کرده است. هیچ کشوری، چه قدرتی در غرب و چه قدرتهایی در شرق، نمی‌تواند وجود خود را بدون عبور انرژی از این تنگه تضمین کند. اما این وابستگی دوطرفه است؛ همان‌طور که جهان به نفت ایران نیاز دارد، ایران نیز به امنیت عبور و مرور از این تنگه وابسته است. اهمیت هرمز فراتر از نفت است. این تنگه، مجرای تنفسی گاز جهان است. در دنیایی که بسیاری از کشورها به دنبال پاک‌تر شدن سوخت‌های خود هستند، گاز طبیعی مایع از خلیج فارس، ستون فقرات انرژی اروپا و آسیا را تشکیل می‌دهد. تصور کنید بدون این تنگه، چه بلایی سر صنایع فولاد، پتروشیمی و حتی تولید برق در کشورهای حاشیه خلیج فارس و فراتر از آن می‌آید. صنعتی که بر پایه انرژی ارزان و در دسترس بنا شده، در غیاب هرمز، دچار فروپاشی زنجیره‌ای خواهد شد.

اما فراتر از اقتصاد، هرمز یک واقعیت ژئوپلیتیک است. این تنگه نشان می‌دهد که در قرن بیست و یکم، قدرت دیگر تنها در انباشت نیروی نظامی نیست، بلکه در کنترل جریان‌هاست. هر کشوری که بتواند امنیت این تنگه را تأمین کند، در واقع امنیت جهان را در دست دارد. و هر کشوری که بخواهد این امنیت را تهدید کند، با یک موج عظیم از ناراضی‌های جهانی، تورم‌های کنترل‌ناپذیر و بی‌ثباتی‌های سیاسی مواجه خواهد شد. تاریخ نشان داده است که تلاش برای مسدود کردن هرمز، نه تنها فایده‌ای برای محاصره‌کنندگان نداشته، بلکه خود آن‌ها را نیز به دام بی‌ثباتی و رکود اقتصادی خواهد کشاند.

ایران، به عنوان نگهبان طبیعی این تنگه، همواره تأکید کرده که امنیت هرمز، امنیت تمام جهان است. این یک شعار سیاسی نیست، بلکه یک واقعیت انکارناپذیر است. هیچ ائتلاف نظامی نمی‌تواند برای همیشه جایگزین ناوگان تجاری صلح‌آمیزی شود که از این مسیر عبور می‌کند. تحریم‌ها، جنگ‌های نیابتی و فشارهای

«تبض تپنده اقتصاد جهانی در گلوگاه هرمز» این جمله اغراق آمیز نیست! حداقل در این دوماه گذشته به تمام دنیا اثبات گردیده که این این آبراهه کوچک نقش حیاتی و اساسی در زندگی همه مردمان کره زمین دارد! در نقشه‌های بزرگ جغرافیایی، در میان انبوهی از اقیانوس‌های بی‌کران و دریاها، نقطه‌ای کوچک به نظر می‌رسد که تنها چند ده کیلومتر عرض دارد. اما این نقطه کوچک، آبیاری شده با تاریخ، خون و نفت، و دریچه‌ای که اگر بسته شود، نفس جهان را در سینه حبس می‌کند. این تنگه، تنها یک گذرگاه آبی نیست؛ بلکه شریان حیاتی تمدن مدرن است. جایی که قطره‌ای نفت که از آن عبور می‌کند، می‌تواند قیمت بنزین در تهران، قیمت لباس در نیویورک و امنیت غذایی در توکیو را دگرگون سازد.

تنگه هرمز، آینه‌ای تمام‌نما از وابستگی متقابل بشر به منابع طبیعی و قدرت جغرافیا است.

تنگه هرمز، آینه‌ای تمام‌نما از وابستگی متقابل بشر به منابع طبیعی و قدرت جغرافیا است. وقتی از اهمیت این تنگه صحبت می‌کنیم، از اعداد و ارقام خالص و سرد آماری صحبت نمی‌کنیم، بلکه از «توقف» صحبت می‌کنیم. از لحظه‌ای که کشتی‌ها می‌ایستند، از صدای خاموش شدن موتورهای عظیم ناوگان تجاری، و از سکوت مرگباری که بر سر اقتصاد جهانی حاکم می‌شود. هرمز، کالایی فیزیکی نیست که بتوان آن را در انباری ذخیره کرد؛ این یک «جریان» است. و هرگاه این جریان متوقف شود، قفسه‌های فروشگاه‌ها خالی، کارخانه‌ها خاموش و چرخ‌های پیشرفت اقتصادی از حرکت می‌ایستند.

در قلب خاورمیانه، جایی که تضادها و همزیستی‌های



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

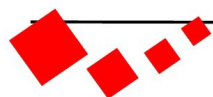
در نهایت، اهمیت تنگه هرمز در این است که به ما یادآوری می‌کند جهان چقدر به هم پیوسته است. ما در تهران، نیویورک، لندن یا توکیو، همگی در یک کشتی واحد سوار هستیم. و این کشتی، از میان آبهای آرام و طوفانی هرمز عبور می‌کند. هر تلاشی برای غرق کردن این کشتی، یا مسدود کردن راه آن، در نهایت همه ما را در تاریکی و سردی رها خواهد کرد.

بنابراین، وقتی به نقشه نگاه می‌کنیم و آن باریکی آبی رنگ را می‌بینیم، نباید آن را صرفاً یک گذرگاه ببینیم. باید آن را به عنوان نمادی از اعتماد، همکاری و ضرورت دیپلماسی ببینیم. امنیت هرمز، امنیت زندگی مدرن ماست. و حفاظت از این تنگه، نه وظیفه یک ملت، بلکه مسؤولیت مشترک تمام تمدن بشری است. زیرا در پایان، نفتی که از اینجا می‌گذرد، گرمای خانه‌ها، نور شهرها و حرکت ماشین‌های ما را تأمین می‌کند. و هیچ‌کس، حتی قدرتمندترین‌ها، نمی‌تواند بدون این نور و حرکت، زندگی کند.

تنگه هرمز، بزرگترین شاهکار طبیعی و انسانی قرن‌های اخیر است؛ شاهکاری که به ما می‌آموزد حتی کوچک‌ترین نقاط جغرافیا، می‌توانند بزرگترین سرنوشت‌های بشری را رقم بزنند. و این بزرگی، نه در مساحت، که در تأثیر آن بر جان و مال و آرامش جهانیان نهفته است.

دیپلماتیک، شاید بتوانند قیمت نفت را نوسان دهند، اما نمی‌توانند نیاز جهان به این انرژی را از بین ببرند. و این نیاز، قدرتمندترین ضامن امنیت هرمز است.

تنگه هرمز پیچیده ترین گره سیاسی در قرن اخیر است



در دنیای امروز که جنگ‌ها از میدان‌های نبرد به سیم‌کشی‌های انرژی و کابل‌های داده منتقل شده‌اند، تنگه هرمز به نمادی از «قدرت غیرمستقارن» تبدیل شده است. قدرت کوچک‌ترین نقطه جغرافیایی که می‌تواند چرخ‌های بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان را متوقف کند. این قدرت، ترسناک است، اما در عین حال، یک بازدارنده بزرگ است. هیچ قدرتی جرأت نمی‌کند به طور کامل این تنگه را مسدود کند، زیرا می‌داند که این کار، خودکشی اقتصادی برای تمام جهان، از جمله حمله‌کننده خواهد بود.



# بين الملل



الارادة  
هفته نامه



پایشی بر گرجستان (۵):

# تمرکزگرایی در ساختار قدرت؛ کاهش اعتماد و مشروعیت بین‌المللی



افشین فرهانچی

afarhanchi1970@yahoo.com



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

ناشی از تحریم‌های غربی روبه‌روست، از زیرساخت‌های حمل‌ونقل و مالی گرجستان برای تسهیل مبادلات بازرگانی خود استفاده می‌کند. این روند، با وجود برخی اقدامات شفاف‌سازی از سوی دولت تفلیس، باعث تقویت گمنامه‌ها درباره حضور پررنگ روسیه در بخش‌های اقتصادی گرجستان و تضعیف استقلال انرژی و مالی این کشور شده است.

در سطح ژئوپلیتیک، گرجستان هم‌زمان با تحولات گسترده در قفقاز جنوبی، در معرض کاهش نقش منطقه‌ای خود قرار گرفته است. روند صلح میان باکو و ایروان و شکل‌گیری مسیرهای جدید ترانزیتی در شرق دریای سیاه، معادلات ژئواکونومیک منطقه را دگرگون کرده و در صورت فقدان سیاست خارجی فعال، خطر کنار گذاشته شدن گرجستان از طرح‌های بزرگ زیرساختی و ترانزیتی افزایش یافته است. این کشور که در سال‌های گذشته نقش حلقه ارتباطی میان اروپا و آسیای مرکزی را ایفا می‌کرد، اکنون بیش از پیش نیازمند بازتعریف جایگاه خود در سیاست منطقه‌ای است؛ امری که بدون بازسازی اعتماد اروپا و غرب دشوار به نظر می‌رسد.

در این میان، وضعیت مناطق جداشده آبخاز یا اوستیای جنوبی بار دیگر به یکی از محورهای اصلی تحولات داخلی و منطقه‌ای تبدیل شده است. روسیه در ماه‌های اخیر اقدامات خود را برای ادغام تدریجی این مناطق در ساختارهای سیاسی و اقتصادی خود گسترش داده است. در آبخاز یا تا آکید بر استقلال ظاهری همچنان حفظ شده، اما در اوستیای جنوبی نشانه‌های آشکارتری از نزدیکی نهادی و فرهنگی به مسکو دیده می‌شود. تقویت مدارس و برنامه‌های آموزشی روسی، افزایش کمک‌های مالی و همکاری‌های امنیتی از جمله اقداماتی است که در آستانه انتخابات آتی این مناطق شدت گرفته است. چنین روندی عملاً احتمال بازنگری در وضعیت این دو منطقه یا بازگشت آن‌ها به چارچوب گرجستان را منتفی ساخته و موازنه سیاسی در تفلیس را بیش از پیش به سوی پذیرش واقعیت‌های تحمیلی سوق داده است.

در مجموع، گرجستان در پایان بهار ۲۰۲۶ با وضعیتی دوگانه مواجه است؛ از یک سو تحکیم اقتدار داخلی و تمرکزگرایی در ساختار قدرت، و از سوی دیگر کاهش اعتماد و مشروعیت بین‌المللی. تلاش برای حفظ استقلال سیاسی در برابر فشارهای غرب و نیاز به روابط اقتصادی با روسیه، معادله‌ای پیچیده را رقم زده است که آینده سیاست خارجی و توسعه این کشور را در ابهام قرار می‌دهد. در غیاب اصلاحات نهادی و بازگشت به مسیر دموکراتیک، احتمال می‌رود که گرجستان نه تنها در عرصه منطقه‌ای بلکه در سطح بین‌المللی نیز بانوعی انزوای تدریجی روبه‌رو شود.

در چهار ماه اخیر، فضای سیاسی گرجستان بیش از پیش در جهت تقویت موقعیت حزب حاکم «رویای گرجستان» و محدودسازی رقابتی سیاسی تغییر یافته است. دولت با تصویب مجموعه‌ای از قوانین جدید در حوزه حمایت‌های مالی خارجی و نظارت بر فعالیت‌های سیاسی، کنترل خود بر فضای عمومی را تشدید کرده و عملاً حوزه مانور اپوزیسیون و نهادهای مدنی را کاهش داده است. این روند در کنار افزایش فشار بر رسانه‌ها و فعالان سیاسی، موجب شده ارزیابی‌های بین‌المللی از وضعیت آزادی‌های مدنی و مشارکت سیاسی در گرجستان افت محسوسی را نشان دهند. فضای انتخاباتی بیش از پیش غیررقابتی شده و نشانه‌هایی از تثبیت ساختار نیمه‌اقتدارگرایانه در نظام حکمرانی گرجستان مشاهده می‌شود.

گرجستان در پایان بهار ۲۰۲۶ با وضعیتی دوگانه مواجه است؛ تحکیم اقتدار داخلی، و کاهش اعتماد و مشروعیت بین‌المللی.

در عرصه روابط خارجی، دولت تفلیس کوشیده است تا از طریق گفت‌وگوهای راهبردی با ایالات متحده، بخشی از نگرانی‌های هادرباره دوری از مسیر غربی و کاهش سطح همکاری‌های امنیتی را برطرف کند. مقام‌های گرجی بر تمایل به بازتعریف مناسبات دو کشور در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی تأکید کرده‌اند، اما در سمت مقابل، روابط با اتحادیه اروپا همچنان سرد و متزلزل باقی مانده است. تعلیق سفر بدون ویزا برای دیپلمات‌های گرجی از سوی بروکسل، به دلیل نگرانی از انحراف تفلیس از مسیر دموکراتیک، نشانه‌ای روشن از تشدید شکاف در مناسبات گرجستان و اروپا به شمار می‌رود. در چنین فضایی، دولت گرجستان می‌کوشد با تکیه بر روابط اقتصادی و انرژی با روسیه و ترکیه، تعادل جدیدی در سیاست خارجی خود ایجاد کند، هر چند این رویکرد در میان نخبگان غرب‌گرا و بخشی از جامعه با واکنش منفی روبه‌رو شده است.

در همین دوره، گزارش‌های متعددی از نقش فزاینده گرجستان در شبکه‌های عبور کالاهای روسی منتشر شده است. مسکو که همچنان با محدودیت‌های

مصاحبه





## «سلامت عدالت محور» مفهوم جدیدی در ادبیات سیاست اجتماعی کشورمان است که به همت و ابتکار دکتر افشین فرهانچی ارائه و پیگیری می شود.

به بهانه نمایشگاه بین المللی کتاب با ایشان در خصوص انتشارات اراده ملت و کتاب های جدیدشان گفت و گو می کنیم.



حسن غلامی

حزب اراده ملت ایران از آغاز تاکنون اقتصادی صرف نبوده است. این انتشارات به دلیل پیوند عمیقش با گفتمان سیاسی و فکری حزب، مأموریت اصلی خود را در غنی سازی ادبیات تخصصی حوزه های سیاست و اجتماع می بیند، نه در سودآوری مالی.

با این حال، چنانچه هزینه ها کاهش می یافت، می توانستیم با دامنه ی بیشتری کار کنیم و تولیداتمان را از نظر کیفیت و تنوع به سطحی بالاتر برسانیم. در شرایط کنونی ناگزیر شده ایم کتاب ها را با حداقل کیفیت فنی ممکن منتشر کنیم تا تداوم فعالیت حفظ شود. واقعیت این است که بسیاری از ایده های ما — از جمله تولید نسخه های صوتی، طراحی جلد های حرفه ای تر، یا تبلیغات منسجم و فراگیر — با بار مالی سنگینی همراه است که در وضعیت فعلی از توان ما خارج است. بنابراین فعلاً بر روی جامعه ی اصلی مخاطبان خود، یعنی پژوهشگران و خوانندگان جدی ای که آگاهانه به سراغ آثارمان می آیند، تمرکز کرده ایم و به ناچار از گسترش دامنه ی مخاطبان چشم پوشی کرده ایم.

**سؤال:** درباره مجموعه «سلامت جامعه محور» توضیح بیشتری بفرمایید. می دانیم که این مجموعه در مدت زمانی کوتاه چهار جلد از آثار خود را منتشر کرده است.

**پاسخ:** در این مجموعه تلاش کرده ایم سلامت را نه صرفاً در سطح پزشکی و درمانی، بلکه در بستر اجتماعی و فرهنگی آن بنگریم. من مقدمه ای کوتاه اما جامع بر این مجموعه نوشته ام که مبانی نظری و ضرورت چنین نگاهی را توضیح می دهد و خوشحال می شوم این یادداشت برای آگاهی بیشتر خوانندگان منتشر شود.

در حال حاضر چهار کتاب دیگر نیز در دست آماده سازی داریم که امیدواریم تا تابستان یا اوایل پاییز به بازار بیایند. یکی از این آثار به حوزه ی سلامت دهان و دندان می پردازد و کتاب دیگر بررسی جامعه ی است درباره ی «عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت». همچنین چاپ دوم کتاب «برنامه برای اداره کل سمن ها و خیریه های وزارت بهداشت» در قالب همین مجموعه تجدید انتشار خواهد شد.

اما پروژه ی محوری و جدید ما کتابی است درباره ی «عدالت در نظام سلامت ایران» که اکنون مرحله ی پژوهش و نگارش مقدماتی آن رو به پایان است. این اثر به مباحث عدالت، توسعه و بهره وری در نظام سلامت می پردازد و از زاویه ی نقش آفرینی بخش های غیردولتی، سمن ها و سایر نهادهای مدنی به تحلیل مسئله می نشیند. انتظار داریم این پژوهش در چند جلد تنظیم شود و جلد نخست آن که با عنوان «پیش درآمد» در دست آماده سازی است، به زودی تقدیم علاقه مندان شود.



**سؤال:** جناب دکتر فرهانچی، لطفاً در خصوص وضعیت کنونی انتشارات حزب اراده ملت ایران توضیح دهید. ظاهراً امسال هم قصد حضور در نمایشگاه مجازی تهران را دارید و هم دو مجموعه تازه به بازار کتاب عرضه کرده اید.

**پاسخ:** با سپاس از توجه شما. انتشارات حزب اراده ملت ایران از پاییز سال گذشته، همزمان با پایان مسؤلیت من در دبیر کلی مجموعه «حامی»، تمرکز خود را بر دو محور اصلی «سلامت» و «اندیشکده ها» قرار داد. دلیل این انتخاب آن بود که در برنامه کاری من، از پیش تأسیس یک اندیشکده مرتبط با نظام سلامت پیش بینی شده بود و این موقعیت را مغتنم شمردیم تا با همکاری همکاران، ادبیات علمی و تخصصی در این زمینه را گسترش دهیم. در همین راستا، آقای دکتر پریش مسؤلیت انتشار کتاب های مرتبط با اندیشکده ها، مباحث نظری آن ها و نیز ساختار و سازوکارشان را عهده دار شده اند، و بنده مسؤلیت مجموعه آثار مربوط به «سلامت جامعه محور» را بر دوش گرفته ام. تاکنون پنج عنوان کتاب در این دو محور منتشر کرده ایم و چهار عنوان دیگر نیز در مرحله های گوناگون آماده سازی و چاپ قرار دارند. با توجه به برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در پایان اردیبهشت ماه، امیدواریم تمامی این پنج اثر در زمان مقرر به نمایشگاه برسند و مورد توجه پژوهشگران و علاقه مندان قرار گیرند.

**سؤال:** آقای دکتر، شرایط اقتصادی و به ویژه تحولات اخیر و افزایش هزینه ها چه تأثیری بر فعالیت انتشارات شما گذاشته است؟ اکنون شاهد افزایش بهای کاغذ و ملزومات چاپ هستیم و قدرت خرید مخاطبان نیز کاهش یافته است.

**پاسخ:** طبیعی است که این شرایط تأثیر مستقیم و چشمگیری بر حوزه نشر داشته است. بهای کاغذ، مرکب، چاپ و حتی هزینه های بسته بندی و پخش کتاب چندین برابر شده است، در حالی که مخاطبان، به ویژه کتاب خوانان حرفه ای، با افت توان خرید روبه رو هستند. اما با این همه، نگاه ما در انتشارات



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲  
۱ خرداد سال ۱۴۰۵

## \*در باره مجموعه سلامت جامعه محور

سلامت، یکی از بنیادی ترین حقوق بشر و شاخص اصلی توسعه اجتماعی و اقتصادی است. در دهه های اخیر، اهمیت سلامت جامعه محور و پزشکی اجتماعی بیش از پیش آشکار شده است؛ مفاهیمی که فراتر از درمان فردی، به بهبود وضعیت سلامت جمعی، عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری ها توجه دارند. این رویکرد، بر عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی تأثیر گذار بر سلامت تأکید می کند و ناظر بر ایجاد نظام های سلامت پایدار، پاسخگو و همگانی است.

متأسفانه در شرایط فعلی نظام سلامت ایران، روند کالایی شدن خدمات سلامت، دسترسی برابر و عدالت اجتماعی در سلامت را با چالش مواجه کرده است. در چنین فضایی، ضرورت تولید و ترویج ادبیات موضوعه و علمی در حوزه سلامت جامعه محور و پزشکی اجتماعی، بیش از هر زمان دیگری احساس می شود. وجود منابع مستند و تحلیلی می تواند به متخصصان، سیاستگذاران و پژوهشگران کمک کند تا نظام سلامت را با رویکردی جامع و عدالت محور بازاندیشی و بازسازی کنند.

این مجموعه کتاب ها با هدف ارتقای آگاهی و دانش در حوزه سلامت جامعه محور تهیه شده است. تمرکز اصلی این مجموعه، بر معرفی رویکردهای علمی و عملی پزشکی اجتماعی، بررسی تجربیات تاریخی و جهانی، و ارائه راهکارهای نوین برای مواجهه با چالش های سلامت جمعی است. این آثار تلاش دارند نشان دهند که سلامت نه تنها یک خدمت، بلکه یک حق عمومی و نتیجه تعامل میان جامعه، سیاست و مراقبت های بهداشتی است.

امید است که این کتاب ها، با ارائه چارچوب های تحلیلی، تجربیات عملی و دانش نظری، جایگاه خود را در میان خوانندگان حوزه سلامت، پژوهشگران، فعالان اجتماعی و سیاستگذاران بیابد و به تقویت گفتمان سلامت جامعه محور در ایران کمک کند. همچنین، این مجموعه می تواند الهام بخش تلاش های جمعی برای ساختن نظام سلامت عادلانه تر و پایدار تر باشد.

اولین کتاب این مجموعه، با عنوان «پزشکی در مقیاس بزرگ»، ترجمه ای از اثر برجسته منتشر شده توسط انتشارات کمبریج در سال ۲۰۲۵ است. این کتاب با نگاهی تاریخی و تحلیلی، پزشکی اجتماعی را در بیش از ۱۴ منطقه دنیا مورد کنکاش و کاوش قرار می دهد. کتاب توسط ۲۴ نفر از صاحب نظران و تاریخ دانان برجسته حوزه سلامت از سراسر دنیا تدوین شده است. کتاب در هر کدام از فصول خویش تاریخچه پزشکی اجتماعی را در یکی از مناطق دنیا توضیح می دهد و روندهای مثبت و منفی آنرا آشکار می کند. اهمیت این کتاب در شرایط کنونی ایران، که سلامت

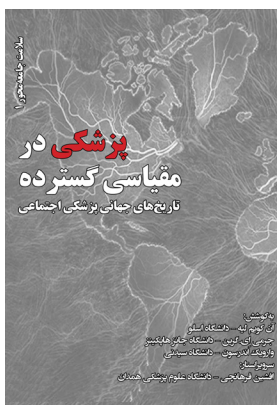
به سرعت در حال کالایی شدن است، دوچندان می شود. «پزشکی در مقیاس بزرگ» نشان می دهد که بدون درک عمیق از تعیین کننده های اجتماعی سلامت و طراحی سیاست های کلان مبتنی بر عدالت، تلاش ها برای ارتقای سلامت عمومی ناکافی خواهند بود.

دومین کتاب این مجموعه با عنوان «بیهوشی و عدالت در نظام سلامت جهانی (با نگاه ویژه به ایران)» ترجمه ای از یک فصل از چاپ دهم کتاب تخصصی رشته بیهوشی با عنوان بیهوشی میسر است که با ضامم و یادداشت هایی درباره وضعیت بیهوشی در ایران تکمیل شده است. کتاب به بررسی وضعیت نیروی انسانی، تجهیزات، داروها و فرایندهای بیهوشی در مناطق مختلف جهان می پردازد و تلاش می کند نابرابری ها و چالش های موجود در ارائه خدمات بیهوشی را به تصویر بکشد. علاوه بر آن، راهکارهایی برای کاهش این نابرابری ها ارائه شده است. مترجمین با افزودن بخش هایی مرتبط با ایران، امکان مقایسه وضعیت کشور با سایر نقاط جهان را برای خوانندگان فراهم کرده اند. این کتاب شامل سه بخش اصلی است و با تصاویر و جداول متعدد همراه شده است. همچنین، حدود ۲۰ یادداشت ضمیمه ای مرتبط با وضعیت ایران در آن گنجانده شده است تا چشم اندازی جامع و کاربردی برای مطالعه شرایط محلی ارائه شود.

سومین کتاب این مجموعه «جستجوی جهانی برای ایده آل ترین نظام سلامت» نگاهی نقادانه به نظام سلامت در ایالات متحده آمریکا دارد. در این کتاب نظام سلامت پنج کشور پیشرفته یعنی آلمان، انگلستان، ژاپن، فرانسه و کانادا را با آمریکا مقایسه می کند و راهکارهایی برای بهبود نظام سلامت ایالات متحده آمریکا ارائه می دهد. این کتاب بر نقاط ضعف اصلی نظام سلامت آمریکا انگشت می نهد و نشان می دهد که نظام سرمایه داری حاکم بر این کشور، بانی این معضلات و مانع حل آنها است.

چهارمین کتاب این مجموعه ترجمه ای از دو کتاب مختلف ولی با محوریت اخلاق حرفه ای و بحث عدالت است. کتاب «جنبه های اخلاقی در مراقبت های بیهوشی: اخلاق بالینی در بیهوشی (بر پایه ی مثال)» از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول مبانی نظری اخلاق و عدالت را در حوزه مراقبت های بیهوشی که یکی از پرچالش ترین نাত্রی ها و نابرابری های اخلاقی در حوزه سلامت را دارد، مورد بحث و تحلیل قرار می دهد و در بخش دوم همان مباحث نظری را در غالب کیس های (موارد) بالینی مطرح می نماید. بخش اول این کتاب ترجمه ای از مهمترین مرجع جهانی مراقبت های بیهوشی است و بخش دوم ترجمه کتابی از انتشارات کمبریج انگلستان می باشد.

امیدواریم که این مجموعه از کتاب ها بتواند راهگشای استقرار نظامی عادلانه تر و کم تبعیض در حوزه سلامت کشور عزیزمان ایران باشد.



سیاست



## چرا در جامعه اعتراض شکل می گیرد و چگونه باید آن را حل کرد؟



علی مجدم

عریض و طویل درست کرده‌اید، فقط برای اینکه صدای رادیو درست بیرون بیاید! این راهش نیست. راه درست، همان راه اول است که باید طی شود. ما متأسفانه از ابتدا با هر مسأله عملی یا مشکل نظری مواجه شدیم، از راه دوم استفاده کردیم و به جای حل مسأله و رفع مشکل، فقط سعی کردیم مسأله را بپوشانیم. اما باید بدانید که آخر سر هم باید این رادیو باز شود و آن مهره، چرخ‌دنده یا فنری که به مشکل خورده، درست شود. راه دیگری وجود ندارد. ما عموماً مشکل را با «اشکل» دفع کردیم؛ یعنی هر مشکلی را با «مشکل‌تری» دفع کردیم؛ و آن مشکل‌تر را باید با «مشکل‌ترتری» رفع کنیم و در نهایت کارمان به جایی می‌رسد که حتی اگر عزمی جزم و همتی والا و تصمیمی مقدس و مؤکد برای بهبود بخشیدن به اوضاع داشته باشیم، باز هم حل مشکل از توان‌مان بیرون است. من بارها گفته‌ام ظلمی که می‌شود در حق مردم انجام داد این است که مردم را به آستانه‌ای برسانند که خود مردم، احساسات و عواطف‌شان را به عقلانیت‌شان غلبه بدهند. می‌خواهم بگویم اگر در هر اوضاع و احوالی عزم کنیم بر اینکه مسأله را حل و مشکل را رفع کنیم، بهتر از این است که بگوییم «دیگر این راه را تا اینجا پیش آمده‌ایم و از این پس هم با همین وضع پیش خواهیم رفت.»

من یک مثال می‌زنم.  
فرض کنید مثلاً

رادیویی دارم که ولوم صدای آن خراب شده. راه معقول این است که روکش پلاستیکی این رادیو را بردارم، رادیو را از این روکش پلاستیکی بکشم بیرون و ذره ذره چیزی را که باعث خرابی ولوم رادیو شده پیدا و آن را تعمیر کنم. این راه البته راه معقول و عقلانی است و ظرافت‌ها و لطائف خودش را دارد و کم و بیش زمان می‌برد.

حالا یک راه دیگر هم وجود دارد و آن اینکه برای در امان ماندن همسایگان از صدای نعره رادیو، پتویی را روی رادیو بیندازیم تا صدای آن کمی خفه شود. شاید با انجام این کار، چه بسا به سادگی این مسأله را حل کنیم؛ اما کم‌کم این پتو به دلیل ایجاد گرما، باعث شل شدن آلیاژهای رادیو می‌شود و مشکل ایجاد می‌کند. حالا می‌گوییم ظرف پر از یخی را هم بر روی این پتو بگذاریم که گرما را از بین ببرد. این یخ اما کم‌کم آب می‌شود و بر روی پتو و رادیو می‌ریزد و باعث زنگ‌زدگی می‌شود. حالا دستگاهی را هم آنجا می‌گذاریم که هر چند وقت یک‌بار ضد زنگی را هم به این فلزات بزند که از رطوبت، زنگ‌زدگی و به همین شکل مشکلات را حل می‌کنید. اما شما ناگهان به خود می‌آیید و می‌بینید کارخانه‌ای



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵





# ژاپن و ایران در یک مسیر، حسرت‌های بر باد رفته یک ملت



محد حسین واحدی

هستیم. ما می‌توانستیم یک کشور پویا و فعال در زمینه‌های تجارت، صنعت و فرهنگ باشیم. اما اکنون زیر فشارهای سنگین اقتصادی و انزوای دچار شده‌ایم. سیاست‌های ما دیگر ناکارآمد شده‌اند.

**ایران در تلاقی تاریخی در چنگال جنگ با کشورهای استعماری گرفتار شد. در حالی که ژاپن در این زمان بدون هیچ مانعی به توسعه ادامه داد.**

فقط در گیر بحث‌های سیاسی سطحی هستیم. در حالی که ژاپنی‌ها مشغول کار و فعالیت اقتصادی نوآورانه خود هستند. به طوری که توکیو یکی از پایتخت‌های فناوری در جهان به حساب می‌آید. فناوری که شاید ما پایتخت خود سال‌های دیگر هم نخواهیم دید. چرا که جامعه ما به جای کار و کوشش سیاست زده شده‌اند. منافع جمعی جای خود را منفعت فردی داده است. دیگر امیدی را نمی‌توان در کشور نیست. تنها راه گرفتن الگوی خوب از کشورهای شرق آسیا همچون ژاپن می‌تواند نجات‌دهنده کشور ما باشد.

تقریباً ژاپن و ایران در دوران میجی و امپراتور که هم زمان بود. شروع به رشد و توسعه کردند. نقطه شروعی که برای ایران پس از مدتی به جهنم تبدیل شد. ایران پس از مدتی به نزاع‌های داخلی روشنفکران و سنت‌گرایان برخورد کرد. سنت‌گرایان تاریخ معاصر ایران را موتور توسعه‌اش را خاموش کردند. تاریخی که پر از جدال بین دانشمندان و علما بود. استعمار هم به نوعی خود را به آن اضافه کرد. هر چند ایران به صورت کشور نیمه مستعمره محسوب می‌شود. اما با این حال در تلاقی تاریخی در چنگال جنگ با کشورهای استعماری گرفتار شد. در حالی که ژاپن در این زمان بدون هیچ مانعی به توسعه ادامه داد. ویژگی سرزمینی ژاپن و دوری از هرگونه خشکی مانع استعمار آن کشور تا حد زیادی شد. اینها کنار مسائل دیگر توانست جایگاه ژاپن را در سطح جهانی از یک کشور انزوا گرا به یک قدرت صنعتی تأثیرگذار تبدیل کند. امروزه که ژاپن را نگاه می‌کنیم به نوعی به ایران توسعه یافته را در آینه خیره می‌شویم. گویا انعکاسی از خودمان است. اما هم اکنون ایران در کجا قرار دارد و ژاپن در کجا، تنها مشکل ما در مسیر نیست بلکه در انتخاب، کار جمعی، بسترهای تاریخی و فرهنگی مان نیز نهفته است. همه اینها به کنار ما می‌توانستیم در ایران شاهد، یک اقتصاد پویا و صنعتی باشیم. در کنار آن سرگرمی‌های مختلفی در ایران فراهم می‌شد. سرگرمی‌هایی که مردم بتوانند تفریحات روزانه یا شبانه خود را در آن بگذرانند. در بیشتر کشورهای دنیا ما چیزی به اسم تفریحات شبانه داریم. از کلوب و کافه گرفته تا انواع گیم نت و سینماها. آنچه در ژاپن امروزه مشهود است. اما ما فاقد آنها



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

## ایجاد وفاق در پسا جنگ



رضا فضلعلی

(دکترای علوم سیاسی - مسائل ایران)

عوامل جهانی، چشم انداز رشدی برای اصلاحات تصور نمی شود. از این رو در مقطع حساس کنونی با توجه به تحلیل صاحب نظران حتی اگر مانند ما فکر نمی کنند، و هزینه هایی نیز به همراه داشته باشد، بایستی اهمیت داده شود؛ زیرا امروزه مصالح کشور، تحول اساسی در بنیان های فکری و ایدئولوژیکی در تحلیل جهان مدرن با هویت دینی گذشته و حال ما را اقتضاء می کند. شوربخانه در عصر حاضر جهان با چالش های حادی همچون فقر و نابرابری، تخریب منابع طبیعی و محیط زیست، رقابت های تسلیحاتی، درگیری های سرزمینی، نژادی، قومیتی، هویتی و اعتقادی و زورگویی ابر قدرت ها مواجه است، از این رو مصائب و نابسامانی ها را نمی توان نادیده گرفت. لذا با در نظر گرفتن منافع ملی در جهت حل مشکلات با اتخاذ سیاست های همزیستی مسالمت آمیز و احترام به حقوق دیگران و پایبندی به توافقات بین المللی، همراه با رعایت حقوق بشر و عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها، زمین را جای امن تری برای خود و دیگران قرار دهیم. عصر حاضر، جهان وابستگی های متقابل است؛ چنانکه دیدیم با روی کار آمدن دوباره ترامپ و اتخاذ تصمیم های او در خروج از چندین توافق بین المللی و یا قرار دادن تعرفه های گوناگون با دوستان و رقبای خویش، خیلی زود آنها را به حالت اول برگرداند و یا دوباره کاهش داد. حتی در آخرین مورد، حمله به ایران و چالش تنگه هرمز بسیاری از هم پیمانانش در عمل نیز با او تا حدود زیادی همراه نشدند. بدون تردید هزینه نظامی برای هر حاکمیتی برای تداوم بقا شرطی لازم است

با وجود حدود نیم قرن تجربه پس از انقلاب اسلامی ایران برخلاف تصور عده ای، بر این باورم که صرف مشکلات موجود محصول دسیسه های دشمنان داخلی و خارجی نمی باشد. چنین تفکری، ناخود آگاه نشان از انفعال حاکمیتی است که توطئه ها را پیشاپیش پذیرفته است. بدون تردید دشمنی ها نیز در بسیاری موارد تأثیر منفی داشته، لیکن بخش مهم، عدم کارایی در امور داخلی و نبود درک عقلانی و پویا در سیاست خارجی نسبت به پدیده جهانی شدن و پیامدهای آن در ارتباط با دیگران است. جهانی شدن مانند اقیانوسی است که در آن هر چیزی (مفید و غیر مفید) را می توان پیدا کرد، اما مهم چگونگی دیدگاه و شکل استفاده از آن می باشد، نگاهی که باعث تنش مناسبات ایران با دیگران حتی گاهی با کشورهای ظاهراً دوست نیز شده است. با قبول این فرض که تفاوت معناداری میان مفهوم نهادگرایی و سیاست بازی وجود دارد، بایستی اساس و اصول نهادسازی بر مبنی عدالت، اجرای قانون و احترام به حقوق شهروندی مورد توجه باشد. استدلال حاکمان در موضوع توسعه، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، همواره نهادسازی و رفاه در دراز مدت به عنوان یک آرزو و هدف مطرح می شود، لیکن در رویکرد انتخاب عمومی در حالی که تأثیرات منفی قدرت بر نهادها کاملاً آشکار است؛ جای قدرت مشروع اغلب اوقات خالی است. از نظر نویسنده، اقدام در جهت بهبود حکمرانی و افزایش شفافیت و پاسخگویی دولتمردان، ارتقای سرمایه اجتماعی، مقبولیت نظام و کاهش چالش ها همراه با قانونمداری در جهت توسعه همه جانبه و رسیدن به جامعه مدنی پایدار شرطی لازم و واجب است؛ زیرا بدون توجه به





هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

انقلاب استحقاق آن را داشته و آنچه که در عمل نصیبشان شده فرصت از دست رفته می توان تلقی کرد. در واقع با وجود رشد جمعیت بعد از انقلاب، عملکرد و فقدان حکمرانی مؤثر بازگرا ایران، در کنار تحریمها، کاهش سرانه هر ایرانی از چهل سال قبل نیز کاهش یافته و در مقیاسی بزرگ تر با افزایش فساد و بی انضباطی، نوسانات مالی، فرار سرمایه انسانی و بحرانهای گوناگون محیط زیستی و اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی روبرو شد. در عین حال پیامدهای اقتصادی و اجتماعی تیرگی مناسبات ایران در رابطه با مسائل خارجی در طولانی مدت مانند یک بیماری مزمن توان رشد پایدار را با وجود نهادهایی که عمدتاً از رانت و حمایت های دولتی نیز برخوردار بودند، و در برخی موارد فساد و ناکارآمدی را در بدنه حاکمیت آشکارا و پنهان تزریق می کردند، سبب افزایش مقبولیت مردم نسبت به حکومت شدند. بی تردید تحریم نیز از عوامل عمده دامن زدن به این معضل ها می باشد. بدون تردید این فاصله با شعار و ادعای رسانه و سخنرانی ترمیم نمی شود زیرا آحاد جامعه رفاه و امنیت و عدم تنش را بایستی در روزمرگی زندگی خود احساس کنند، لذا آشکار شدن یک بحران، اتفاقی ناگهانی نیست، بلکه یک فرایند است. علل این شکافی که باعث فرصت سوزی شده را بایستی در ساختار دوگانه قدرت سیاسی و استقرار برخی از اجزای متعارض نظم موجود جستجو کرد. در حقیقت دوگانگی قدرت سیاسی مانع از اتخاذ سیاست خارجی منسجم و سازگار با منافع ملی در زیر سایه سیاست همزیستی مسالمت آمیز با دیگر کشورها، منطبق بر رانت جویی غیرمولد قرار گرفت که عاملان آن شوربختانه تعامل سازنده با جهان را در جهت منافع خویش نمی دیدند. این دوگانگی ساختاری در عمل به ایجاد نهادها و سازمان های موازی و قدرتمند داخلی گوناگون با حق و توانستند با ایجاد دستگاه های نظامی، اطلاعاتی و نظارتی متعدد، تصمیمات نهادهای رسمی را حتی گاهی با منافع متضاد و یا شکل گیری بنیادهای غیر پاسخگوی مستقل از دولت در درون دولت قدرت دهند. از این جهت عدم روابط سیاسی بصورت علنی و پنهان با جهان و همسایگان منطقه ای در زیر سایه نگاه، گاه ایدئولوژیک و آرمان گرایانه غیر قابل تحقق، خواسته یا ناخواسته قرار گرفت. چه بسا مناقشات هسته ای، موشکی و منطقه ای، در استمرار کم بهادادن به سیاست خارجی و دیپلماسی در حل تعارضات موجود پدیدار شد، تا جایی که جنگ و حمله نظامی و محاصره دریایی نیز در دستور کارشان قرار گرفته شد.

### اصول نهادسازی بر مبنی عدالت، اجرای قانون و احترام به حقوق شهروندی بایستی مورد توجه باشد.

از این رو وجود یک جبهه واحد سیاسی متمکز در کاهش فاصله بین ملت - دولت و رهایی از این وضع، با افزایش مشروعیتی که ملت، حاکمان را با تمام وجود باور داشته باشند واجب است. از اینرو با پایان احتمالی این جنگ نابرابر که باعث شده از آسمان آتش بار و د شالوده های یک جامعه تمدن ساز را هدف قرار دهد، گسست های موجود در جامعه را همانند گلوله ها و بمب های دشمن، تا حد ممکن ببینیم و در رفع آن با شنیدن و دیدن همه صداها حتی مخالفان، کوشا باشیم. این کلام فقط به معنای حفظ کیان این سرزمین کهن است، زیرا ناکارآمدی، بنیان وضع موجود را فراموش نمی کنیم. تاریخ گواهی می دهد هرگاه کشوری با چنین پیشینه تمدنی در برابر دشمنانش، مقاومتی هوشمندانه کرده است، به قدرتی نوین تبدیل شده است. معتقدم نزدیکی کشورهای حاشیه خلیج فارس به اسرائیل بر خلاف تمایل ایران در مقطعی تا حدود زیادی ترس و وحشت از سیاست ها و رفتار ایران بوده

ولی کافی نیست، کشورهایی در جهان پیشرفت کرده اند که خصوصیات طولانی تاریخی همانند درگیری ژاپن و ویتنام با ایالات متحده را با دیگر قدرت ها و همسایگان خود فراموش کرده اند. یکی از عللی که کشورهایی همانند چین که تا ۵۰ سال پیش، از فقیرترین کشورهای جهان سوم به حساب می آمدند، موضوع اقتصاد است که محور و مرجع رفتار و تصمیمات خود قرار دادند. آنان با مراجعه به تاریخ دیگر کشورها و تقلید از آمریکا، تمرکز خود را فقط در افزایش قدرت اقتصادی قرار دادند، و بطور مستقیم درگیر هیچ منازعه ای نشدند، تا آنجا که در کمتر از نیم قرن به دومین اقتصاد جهان تبدیل شد. آنان با گذراندن دوران های تلخ (همچون جنگ تریاک، فقر و اشغال) به خوبی دریافته اند برای رشد کشور با درهای بسته به روی دوست و دشمن، موفقیت در دسترس نخواهد بود. از این رو راهی به جز تعامل، همکاری و استفاده از تعادل در وابستگی متقابل مبتنی بر امنیت، صلح، آرامش و تقویت طبقه متوسط و حفظ رفاه اکثریت مردم بشکلی انعطاف پذیر و پویا وجود ندارد.

### دیپلماسی کم هزینه ترین روش برای مواجهه با تنش ها چه در داخل و چه فرامرزهاست نه جنگ و تحریم!

برای خروج از چالش ها نظریات گوناگونی مطرح است: گروهی معتقدند که اکثر چالش ها نتیجه تحرکات ضد انقلاب و بیگانگان است، لذا ادامه وضع موجود مطلوب بوده و فقط نیاز به اصلاحاتی جزئی در جهت رفع موانع لازم است. برخی نیز اصلاحات بنیادی را در کل نظام و قانون پیشنهاد می کنند؛ از این رو بایستی وفاقی عقلائی بین مدیران نظام وجود داشته باشد. عده ای نیز بر این باورند که با بکارگیری در امور تصمیم گیری و وارد کردن دولتی نظامی یا شبیه آن اوضاع بهبود خواهد یافت.

بر این باورم مشکل ما با آمریکا هیچگاه حل نمی شود و نه اجازه خواهند داد، حل شود؛ مگر تا زمانی که تکلیف ما با اسرائیل مشخص شود. آری، همانگونه که با راهکار و وساطت چین چالش یمن، بین ایران و عربستان کنترل شد، بایستی راه حل را در چارچوب قوانین سازمان ملل متحد پی گیری نمود. جنگ با آمریکا یعنی جنگ با اسرائیل و برعکس آن نیز صادق است، بنابراین آنچه که در این مدت همانند تمامی درگیری هادر تاریخ شاهد بودیم، بسیاری از سرمایه های مادی و معنوی نابود شدند، بطور یقین عواقب آن نیز پس از جنگ بیشتر معلوم خواهد شد، لذا رفتار و راهکارهای ما در عین توجه به منافع جمعی و ملی نبایستی همزم لازم برای گرم کردن بازی های آمریکایی و اسرائیلی افراطی را هم افزایش دهد.

ملت ایران برای کسب آزادی و استقلال با رژیم شاه مبارزه کرد و جمهوری اسلامی را برای تضمین حقوق آحاد جامعه، استقلال اقتصادی و سیاسی و عدالت اجتماعی جایگزین پادشاهی نمود. بدون شک با سپری شدن نزدیک به نیم قرن در زمینه های خدمات اجتماعی، بهداشتی، رفاه اجتماعی شهری و روستایی، نظامی و دفاعی، پتروشیمی و صنعتی به پیشرفت هایی نیز رسیده است؛ لیکن با مرور عملکرد اقتصادی، بعد از انقلاب ملاحظه می شود که رشد تولید و درآمد سرانه ایران در مقایسه با کشورهای نوظهور صنعتی دیگر ناچیز بوده و نتوانسته فاصله درآمد سرانه را بر مبنای شاخص های جهانی با اقتصادهای پیشرفته کم کند. اگر موفقیت چشمگیری بود، امروزه شاهد چالش های افزایش نرخ تورم، بیکاری مزمن، بحران های بانکی، صندوق های بانخشستی، زیست محیطی و ناکارآمدی های گوناگون تصمیم گیری هادر عرصه های مختلف نبودیم. از این رو شکاف میان آنچه که ملت ایران پس از





هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

است، علاوه بر آن عواملی همچون: بی خبری دولتمردان از ساز و کارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دنیای مدرن در عصر ارتباطات، گره خوردن امر حکمرانی در منافع جمعی با اعتقادات مذهبی، ایجاد اقتصاد دولتی - خصوصی رانته بنام دور زدن تحریم‌ها، رویگردانی از اصول پذیرفته شده مناسبات بین‌المللی و عدم پابندی آشکار به بسیاری از قواعد مورد توصیه نهادهای بین دولتی در سطوح فراملی را می‌توان به چالش‌های موجود دیگر نیز اضافه کرد. بدون شک تناقض در رفتار برخی از دولتمردان در عرصه بین‌المللی و پر تنش بودن مناسبات با دیگر کشورها خصوصاً جهان غرب، باعث شد تا امکان اتخاذ سیاست توسعه سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات، علی‌رغم چهل و هشت سال شعار کاهش وابستگی اقتصادی به منابع زیرزمینی، سهم صادرات کشور در همین منابع، هنوز به صورت کامل فراهم نیست، بطوری که حتی با تزریق درآمدهای نفتی در طولانی مدت شاهد رکود بازار، کاهش ارزش پول ملی و افزایش تورم نیز می‌باشیم. شاهد این مدعا، سخن پزشک‌پژشکیان است که پس از احتمال اعلام تفاهم‌نامه یک صفحه‌ای، در خبرها از قول ایشان آمده که سالی سخت‌تر از پیش‌رو داریم. هر دولتی که به دلیل فساد و بحران ناکارآمدی و عدم انسجام درونی بر دخل و خرج خود کنترل نداشته باشد چالش‌های موجود را نمی‌تواند بر طرف نماید. به همین علت مجبور می‌شود بنام خود کفایی در جهت اداره امور روزمره خویش مالیات تورمی اخذ کند؛ لذا نیاپستی تعجب کنیم که یک روز شاهد مهاجرت‌های دسته جمعی و فرار مغزها، یک روز هم نظاره‌گر افزایش بیکاری، نابرابری و فقر باشیم، زمانی هم با لبریز شدن کاسه صبر جامعه، بی‌اعتمادی عمیق و شکاف میان دولت - ملت را تجربه کنیم. آنچه در اعتراضات مردمی آشکارتر می‌شود، ضعف سرمایه اجتماعی است، انباشت نارضایتی، وعده‌های محقق نشده در باره آزادی و عدالت، چه در شعارها و چه در برنامه‌ها، نداشتن چشم‌انداز مثبت از آینده، انواع فشارها به نام آزادسازی قیمت‌ها، بی‌ثباتی، شنیده نشدن و بی‌پاسخ ماندن بسیاری از سؤالات، ناامیدی از اصلاح و زندگی‌های ناکرده و آرزوهای یک زندگی آبرومندانه، خلاصه کلام تناقض در رویا و واقعیت موجود! بدین ترتیب اگر به اعتصابات و اعتراضات صنفی، سیاسی و فرهنگی در زمان مناسب پاسخ منطقی داده نشود و با مدیریت عقلانی حل و فصل نشوند، تنش‌ها افزایش می‌یابند. مسائل اجتماعی را نمی‌توان با انکار چالش‌ها و برچسب زدن و خشونت در دراز مدت کنترل کرد.

**اگر به اعتصابات و اعتراضات صنفی، سیاسی و فرهنگی در زمان مناسب پاسخ منطقی داده نشود و با مدیریت عقلانی حل و فصل نشوند، تنش‌ها افزایش می‌یابند.**

چنانچه در درگیری دوازده روزه و جنگ رمضان مشاهده کردیم اگر اراده، وحدت و پشتیبانی همگانی مردم در کنار خرد و فهمی عمیق نبود، هیچگاه نمی‌توانستیم به عنوان کشور مورد تهاجم برای بار دوم در پاکستان، وارد مذاکره شویم. بایستی بترسیم؛ از روزی که پشت میز مذاکره‌ای نباشیم که از خود دفاع کنیم؛ زیرا پرونده کشورمان بدون حضور خودمان روی میز قرار خواهد گرفت و دیگران بدون حضور خودمان راجع به ما تصمیم می‌گیرند. بر این باورم که در حوزه مقابله با جنگ، تحریم و آخرین آن محاصره در بایستی چنانچه در حال حاضر طرفین تا حدی به آن پی برده‌اند، بایستی ابتداریشه تعارضات با ایالات متحده را یافت و سپس بر اساس منافع ملی و همگانی با

احترام به دیگران، بدون ارزیابی‌های افراطی و محاسبات اغراق آمیز بدنبال بازنگری اساسی در سیاست خارجی، همزیستی مسالمت آمیز و گفت و شنود بود. ایران همان گونه که دیدیم یکی از قدرت‌های منطقه است و از قدرت نظامی و جغرافیایی بالایی نیز برخوردار است، ولی در معادلات منطقه‌ای، در حال حاضر نه به لحاظ اقتصادی و نه به لحاظ نظامی با تمامی مقاومتی که داشته در طولانی مدت نمی‌تواند کشوری را که تحت پشتیبانی ابر قدرتی همچون ایالات متحده است را حذف نماید. به همین علت فرق است بین آنچه آرمان ما می‌باشد و آنچه که قدرت و توانمان در عمل و واقعیت وجود دارد. آرمانگرایی واقع‌نگر بایستی بر مبنای عقلانیت، اخلاق اجتماعی و توانایی در خروج از وضعیت‌های بحرانی با توجه به ساختارهای خرد و کلان در سطوح سرزمینی و فراسرزمینی باشد. یادآوری این نکته ضروری به نظر می‌رسد که واشنگتن اغلب با دیپلماسی شروع می‌کند و در عین حال تهدید به استفاده از زور را هم حفظ می‌کند. لذا تمامی مطالب بیان شده در جهت حفظ وفاق جمعی و منافع همگان است و هیچ کدام از آنها باعث تطهیر و زیاده‌خواهی و بدعهدی غرب و در راس آن ایالات متحده نمی‌باشد.

**دیپلماسی کم هزینه‌ترین روش برای مواجهه با تنش‌ها چه در داخل و چه فرامرزهاست نه جنگ و تحریم!**

لیکن از نگاه نویسنده دیپلماسی کم هزینه‌ترین روش برای مواجهه با تنش‌ها چه در داخل و چه فرامرزهاست نه جنگ و تحریم! با توجه به اینکه راهبردهای اتخاذ شده از جانب دو طرف در گذشته پاسخ‌مبیتی در جهت منافع جمعی نداشته، و در موقعیت حساس فعلی نیز با وجود افول نفوذ آمریکادر منطقه، ایران نیز در حال حاضر تا حدود زیادی توانسته در جنگ رمضان جلوی دو قدرت اتمی جهان ایستادگی نماید. آری، همان گونه که نزدیک به ۴۰ سال از جنگ طولانی و خونین ایران و عراق می‌گذرد و هیچ قرارداد صلحی نیز امضا نشده، در خبرها آمده است که توافقی یک صفحه‌ای بین ایران و ایالات متحده در حال شکل‌گیری است، لذا می‌توان آتش بس جدی‌تری را برقرار کرد. شک ندارم ایران و ایالات متحده از منظر اقتصادی، اجتماعی، نظامی و بلوک‌بندی‌های سیاسی و علل فراوان دیگر، در حالت نه جنگ و نه صلح، در طولانی مدت نمی‌توانند ایستادگی بدون دغدغه‌ای داشته باشند، لیکن شکل چالش‌ها و فشارها برای طرفین متفاوت است. بر این باورم گام نخست پسا توافق و دفع خطر اصلی، نوبت به پاکسازی لایه‌های درونی می‌رسد، همان کسانی که با سوء مدیریت و درک ناقص از تغییرات نظم نوین جهانی، جامعه را آسیب‌پذیر کردند و ایران را در ورطه بحران و جنگ قرار دادند. از دیگر راهکارهای اصلی در آینده پسا جنگ، قرار دادن مرکز تصمیم‌گیری سیاست خارجی و تثبیت وظایف نیروهای نظامی، امنیتی در چارچوب سیاست‌های رسمی دولت است، در گذشته تاریخ‌نشان می‌دهد که در زمان تشدید مناقشات بین‌المللی جناح محافظه کار و غرب‌ستیز درونی، صلاح کار خویش را در آن می‌دیدند که برای مدتی از حضور فعال در عرصه سیاست خارجی خودداری کنند و فقط در سایه، سکان سیاست‌های دولت رسمی کشور، حضور کم‌رنگ‌تری داشته باشند تا اوضاع به حالت عادی برگردد. از این رو بایستی با تعامل و عضویت فعال جهت رفع نگرانی‌های بین‌المللی، در سازمان‌های جهانی و مشارکت دادن

ایالات متحده به دلیل قدرت نظامی و زیاده خواهی ذاتی به شکلی می خواهد، ایران را تحقیر کند و جمهوری اسلامی نیز برای دفاع از آرمان های مردمی که هویت مخصوص به خود را دارند، جلوی این تجاوز در حد توان خویش تا به امروز ایستادگی کرده است (از یاد نبریم قبل از جنگ گروهی که با هنجارها و ارزش های ایدئولوژی حاکم همسو نبودند و طی سال ها حاکمیت را خودی و غیر خودی برای خویش تعریف می کردند و خویشان را طرد و تحقیر شده در استقلال فردی، کرامت انسانی و حقوق ابتدایی شهروندی می دانستند، حامی حمله بیگانگان به ایران بودند). از این رو برای اقتداری مشروع و احساس امنیت و رفاه جمعی، اولویت بایستی یک برنامه اقتصادی قابل اجرا باشد، که فقط در اختیار نهادهای اقتصادی و تجاری قرار داشته باشد و از اختیار دیگر نهادها خارج باشد. زیرا ناتوانی در استقرار نظام اقتصادی با ثبات و نفوذ گروه های ذی نفع در تصمیم گیری های کلی، جهت جلوگیری از توسعه گرایی و شایسته سالاری باعث افزایش فاصله دولت-ملت می شود. از این رو با پشتیبانی و بکارگیری افراد متخصصی که ترسی از به مخاطره افتادن جایگاهشان نداشته باشند در جهت اصلاح سیاست های داخلی و خارجی برای تغییر و اصلاح وضع موجود، و مقابله با تهدیدهای احتمالی در آینده ضروری است. بی تردید در این سال ها دور زدن محاصره ها و تحریم ها، به تجارت و مبادلات مالی غیر رسمی و قاچاق، که به طور معمول فرصت های فساد آمیز و رانتی را فراهم می کند نیز دامن زده است. تمامی جنگ ها روزی پایان گرفته و خواهد گرفت، اما آنچه لاجرم در حافظه تاریخ خواهد ماند: وجود صلح، مراعات حقیقت انسان و انسانیت است.

دیگر کشورها جهت سرمایه گذاری در عرصه های گوناگون؛ همچنین اجتناب از درگیری های نظامی ناخواسته مجدد با توجه به سیاست های قدرت های بزرگ بویژه ایالات متحده تا حد توان در جهت منافع جمعی حرکت نماییم؛ زیرا بدون پذیرش راه حل مسالمت آمیز برای رفع اختلافات، ایران همواره در معرض سیاست های خصمانه آنها قرار داشته و خواهد داشت.

آری، ایجاد فضا و بستر لازم برای گفت و گو در ابتدا میان ارکان انتخابی و انتصابی نظام حکمرانی و سپس وجود فضایی باز در جهت اعتماد و وفاق جمعی، همراه با مشروعیت دو سویه دولت-ملت برای مقابله با بحران لازم است. ایران در یک دوراهی حیاتی قرار دارد، دوراهی که عقلانیت بدون هیاهو، لازمه کار است. زیرا پایداری و ثبات تمامی نظام ها در اقتدار و مشروعیت حاکمان است، حاکمانی انعطاف پذیر که احساس مسئولیت کنند، پاسخگو باشند، تا مردم هم در یک وفاق جمعی همانند سه جنگ نظامی بعد از انقلاب پشتیبانی کنند، نه اینکه برخی خیلی زود فراموش کنند که چه اتفاقی افتاده است. مشروعیت یعنی کارایی حکومت؛ یعنی پذیرش قدرت از سوی مردم در عمل؛ یعنی کیفیت حکمرانی، یعنی مشارکت دادن واقعی مردم در امور و نه صرفاً در سخنرانی ها و مصاحبه ها! حکومت ها در صورتی قادرند که همکاری و وفاق اجتماعی را داشته باشند که قوانین از مرجعیت و اقتدار لازم برخوردار باشند.

بر این باورم کشور در حال حاضر به دلیل جنگ در حالت امنیتی و نظامی است، لیکن خود را نباید فریب دهیم در دوران پسا درگیری، نه چندان دور، همان گونه که بیان شد احتمالاً روزهای بسیار دشوارتری خواهیم داشت.

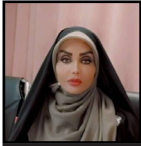


هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

# جنگ در آستانه؛ واکاوی شکاف میان هیاهوی رسانه‌ای و منطق ژئوپلیتیک



ونوس ثنایی  
دانشجوی دکتری علوم سیاسی

در یابی و ظرفیت‌های پاسخ منطقه‌ای، این امکان را فراهم می‌کند که هزینه‌های درگیری به سرعت از سطح یک اقدام کنترل شده فراتر رود. همین توان، یکی از ستون‌های اصلی بازدارندگی ایران در محاسبات امنیتی طرف مقابل به شمار می‌رود.

باین حال، پرسش مهم اینجاست: چرا با وجود این واقعیت‌ها، احساس «جنگ در آستانه» تا این حد فراگیر شده است؟ پاسخ را باید در سازوکار رسانه‌ای جست‌وجو کرد. رسانه‌ها با تیتراژهای اضطرابی، تحلیل‌های شتاب‌زده و بازنمایی اغراق‌آمیز تهدیدها، مرز میان «افزایش تنش» و «تصمیم به جنگ» را عمدتاً پهن می‌کنند. در این فضا، مجموعه‌ای از سیگنال‌های کوچک و پراکنده همچون پرتاب سنگ‌ریزه‌های پی‌درپی به سطح آب عمل می‌کنند؛ موج روانی می‌سازند، بی‌آنکه لزوماً به طوفانی واقعی منجر شوند. ترس، خبرساز است؛ ابهام، مخاطب می‌آورد؛ و «جنگ در آستانه» همواره جذاب‌تر از مفاهیمی چون بازدارندگی متقابل و مهار بحران است.

جمع‌بندی این تحلیل روشن است: نه، جنگ ایران و آمریکا حتمی نیست؛ اما، به وضعیت خطرناک است. مادر شرایطی قرار داریم که صلح پایدار وجود ندارد، اما جنگ نیز تصمیم نهایی نیست. «جنگ در آستانه» دقیق‌ترین توصیف این وضعیت است؛ نقطه‌ای شکننده که هر خطای محاسباتی می‌تواند فاجعه‌یافتار بپراکند و هر تصمیم عاقلانه می‌تواند بحران را مهار کند. تا این لحظه، عقلانیت هر چند شکننده، بر هیجان غلبه کرده است.

مسئله بنیادین اینجاست: جنگ را معمولاً کسانی آغاز می‌کنند که هزینه‌اش را نمی‌پردازند. تاوان جنگ نه از امنیت زندگی تصمیم‌گیران کم می‌کند و نه از سفره آنان؛ بلکه این مردم عادی هستند که بهای آن را می‌پردازند؛ با جان، با نان و با آینده. اگر قرار بود مسؤولان و صاحبان قدرت تنها قربانیان جنگ باشند، شاید جنگ می‌توانست قابل دفاع باشد؛ اما تاریخ بارها نشان داده است که قربانیان واقعی، همواره بیرون از اتاق‌های قدرت ایستاده‌اند.

در نهایت، اگر قرار است این وضعیت «جنگ در آستانه» به فاجعه ختم نشود، راهی جز بازگشت به عقلانیت استراتژیک وجود ندارد. مدیریت تنش، نیازمند حفظ کانال‌های ارتباطی، کنترل درگیری‌های نیابتی و پرهیز از اقداماتی است که می‌تواند منطق بازدارندگی را بشکند. هنر سیاست در چنین شرایطی، نه در نمایش قدرت، بلکه در مهار قدرت است؛ نه در نزدیک شدن به جنگ، بلکه در جلوگیری از سقوط به درون آن است. آینده منطقه بیش از هر چیز، به درک پیامدهای ژئوپلیتیکی تصمیم‌هایی وابسته است که اگر از چارچوب محاسبه خارج شوند، می‌توانند امنیت را به سادگی به بی‌ثباتی بدل کنند.

چرا منطق سرد سیاست بین‌الملل، فراتر از هیجانات فضای مجازی، مانع از وقوع جنگی فراگیر میان ایران و آمریکا می‌شود؟

نگاه غالب در فضای رسانه‌ای و حتی بخشی از تحلیل‌های سیاسی امروز، بر یک گزاره تکرار شونده استوار شده است: «جنگ ایران و آمریکا نزدیک است». این گزاره دیگر صرفاً یک احتمال یا تحلیل نیست؛ بلکه به پیش‌فرضی رایج تبدیل شده است. گویا همه چیز مهیاست و تنها زمان اعلام رسمی باقی مانده است. در چنین فضایی، جنگ نه به عنوان یک سناریوی محتمل، بلکه به مثابه سرنوشتی محتوم بازنمایی می‌شود.

امانویسند این سطور، بر خلاف این نگاه غالب، بر این باور است که جنگی فراگیر میان ایران و آمریکا رخ نخواهد داد؛ نه از سرخوش‌بینی سیاسی، بلکه بر پایه منطق سرد سیاست بین‌الملل، محاسبات ژئوپلیتیکی و سازوکار بازدارندگی متقابلی که هر دو بازیگر به خوبی درک کرده‌اند. سیاست جهانی، برخلاف فضای رسانه‌ای، با هیجان و شتاب عمل نمی‌کند. دقیقاً در شکاف میان هیاهو و واقعیت است که پرسش اصلی شکل می‌گیرد: اگر جنگ تا این اندازه قریب‌الوقوع است، چرا هنوز رخ نداده است؟

پاسخ را باید در منطق «مدیریت تنش» به جای ورود به جنگ جست‌وجو کرد. آنچه امروز جریان دارد، بیش از آنکه آماده‌سازی برای درگیری مستقیم باشد، مدیریت ترس از جنگ است. در ادبیات راهبردی، تهدید لزوماً نشان‌آزاده‌ی جنگ نیست؛ گاه نشانه‌ی احتیاط است. باز یگرانی که واقعا قصد آغاز جنگ دارند، معمولاً کمتر درباره‌اش سخن می‌گویند. رابطه‌ی ایران و آمریکا دقیقاً در همین نقطه ایستاده است: حداکثر گفتار، حداقل تمایل به درگیری مستقیم.

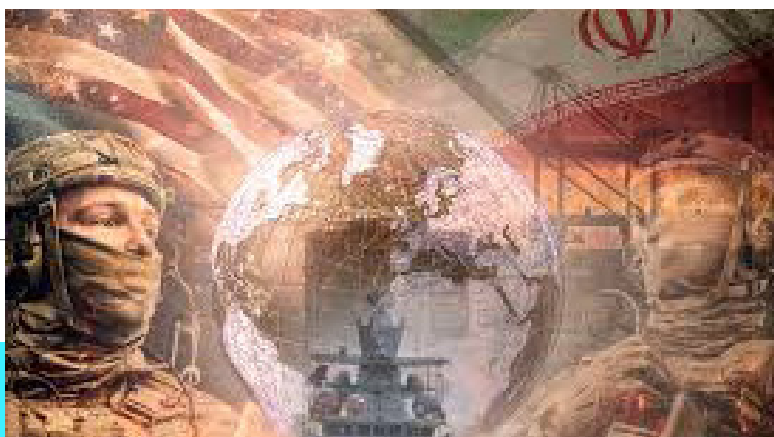
از منظر ایالات متحده، جنگ با ایران یک عملیات کوتاه‌وقابل کنترل نیست؛ بلکه بحرانی چندلایه با پیامدهای ژئوپلیتیکی گسترده است؛ بحرانی که می‌تواند بازار انرژی، امنیت خلیج فارس، ثبات منطقه و حتی بخش‌هایی از نظم بین‌المللی را متأثر کند. در سوی دیگر، ایران نیز به خوبی آگاه است که هر چند جنگ می‌تواند کارکرد بازدارنده داشته باشد، اما در عمل فرسایشی، پرهزینه و همراه با فشارهای گسترده اقتصادی و اجتماعی خواهد بود. حاصل این محاسبه دو طرفه، وضعیتی است که در آن هیچ‌کدام عقب‌نشینی نمی‌کنند، اما هیچ‌کدام نیز تمایل واقعی به عبور از آستانه جنگ ندارند.

عنصر تعیین‌کننده در این معادله، توان ایران در جنگ نامتقارن است. ایران کشوری است که می‌تواند یک حمله محدود را به بحرانی گسترده تبدیل کند. استفاده از استراتژی‌هایی چون قایق‌های تندرو، پهپادهای رزمی، مین‌های

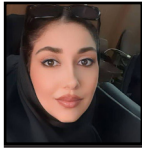


هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲  
۱ خرداد سال ۱۴۰۵



# تغییر رژیم از طریق مداخله نظامی: چرا این گزینه درباره ایران منطقی نیست؟



یگانه ریکا

برنامه منسجم برای دوران پساققوط، به گسترش جنگ داخلی و چندپارگی ساختار قدرت انجامید.

۳. یافته‌های نظری در ادبیات روابط بین الملل مطالعات منتشر شده در نشریاتی مانند International Security و پژوهش‌های دانشگاه‌هایی نظیر Harvard University و Stanford University تأکید می‌کنند که: \*دموکراسی‌های حاصل از مداخله خارجی دوام کمتری نسبت به گذارهای داخلی دارند.

\*مشروعیت سیاسی، محصول فرایندهای درون‌زا است و تحمیل بیرونی آن با مقاومت اجتماعی روبه‌رو می‌شود.

\*مداخله نظامی اغلب به تقویت گفتمان «تهدید خارجی» و انسجام پیرامون قدرت مستقر می‌انجامد.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که موفقیت پایدار در تغییر ساختار سیاسی، بیش از هر چیز به ظرفیت‌های داخلی وابسته است.

۴. ملاحظات ژئوپلیتیکی درباره ایران ایران کشوری با جمعیت بالا، ساختار اجتماعی پیچیده، منابع انرژی گسترده و موقعیت ژئوپلیتیکی حساس است. هر گونه درگیری نظامی می‌تواند: موجب اختلال در امنیت انرژی جهانی شود؛ دامنه درگیری را به سایر بازیگران منطقه‌ای گسترش دهد؛ زمینه‌سازی بی‌ثباتی بلندمدت در خاور میانه گردد.

از منظر هزینه‌لایفاید راهبردی، چنین سناریویی نه برای ایران و نه برای بازیگران خارجی، قابل پیش‌بینی یا کم‌هزینه نیست.

۵. حقوق بین‌الملل و اصل حاکمیت بر اساس منشور سازمان ملل متحد، اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها یکی از بنیان‌های نظم بین‌الملل معاصر است. تغییر رژیم از طریق حمله نظامی، در غیاب اجماع بین‌المللی، با چالش‌های حقوقی و مشروعیتی جدی روبه‌رو خواهد بود.

\*نتیجه‌گیری مرور تجربه‌های عراق، افغانستان و لیبی و نیز یافته‌های پژوهشی در ادبیات روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که تغییر رژیم از طریق مداخله نظامی:

تضمینی برای دموکراسی پایدار فراهم نمی‌کند؛ احتمال بی‌ثباتی و خشونت داخلی را افزایش می‌دهد؛ هزینه‌های انسانی و اقتصادی گسترده‌ای به همراه دارد؛ می‌تواند نظم منطقه‌ای را تضعیف کند.

بر این اساس، از منظر تحلیلی و تطبیقی، حمله خارجی برای تغییر رژیم در ایران راه‌حلی منطقی و کم‌ریسک تلقی نمی‌شود. تجربه‌های پیشین نشان می‌دهد که تحول سیاسی پایدار، بیش و پیش از هر چیز، نیازمند فرایندهای درونی، مشروعیت اجتماعی و نهادسازی تدریجی است.

چکیده

ایده «تغییر رژیم از طریق مداخله نظامی خارجی» در ادبیات سیاست خارجی، به‌ویژه در گفتمان‌های مرتبط با ایالات متحده آمریکا، سابقه‌ای طولانی دارد. با این حال، مرور تجربه‌های تاریخی در عراق، افغانستان و لیبی، و نیز بررسی پژوهش‌های منتشر شده در مراکز معتبر دانشگاهی و اندیشکده‌ها، نشان می‌دهد که تغییر رژیم از طریق ابزار نظامی، اغلب بابتی مژمن، خشونت داخلی و ضعف نهادهای حکمرانی همراه بوده است. این مقاله با رویکردی تحلیلی، استدلال می‌کند که چنین سناریویی در مورد ایران نیز نه تنها فاقد تضمین موفقیت است، بلکه می‌تواند پیامدهای پرهزینه و غیر قابل پیش‌بینی به همراه داشته باشد.

۱. مقدمه

در ادبیات روابط بین‌الملل، «تغییر رژیم» (Regime Change) به تلاش سازمان یافته برای برکناری یک حکومت و جایگزینی آن با ساختاری سیاسی دیگر اطلاق می‌شود. این تغییر می‌تواند از مسیرهای داخلی (جنبش‌های اجتماعی، اصلاحات، انقلاب) یا خارجی (مداخله نظامی، فشار مستقیم دولت‌های دیگر) صورت گیرد.

بحث درباره امکان یا مطلوبیت چنین رویکردی در قبال ایران، مستلزم ارزیابی تجربی نمونه‌های پیشین و تحلیل ظرفیت‌های ساختاری و اجتماعی کشور است.

۲. تجربه‌های تطبیقی مداخلات نظامی

۲.۱. عراق (۲۰۰۳)

مداخله نظامی آمریکا در عراق و سقوط حکومت صدام حسین، در ابتدا با هدف اعلام شده ایجاد دموکراسی و امنیت انجام شد. با این حال، گزارش‌های تحلیلی منتشر شده توسط Brookings Institution و پژوهش‌های دانشگاهی نشان داد که:

فروپاشی ساختارهای امنیتی و اداری  
خلاقیت و رقابت‌های فرقه‌ای  
ظهور بازیگران غیردولتی خشونت‌گرا نظیر داعش  
از پیامدهای مستقیم این مداخله بودند. ادبیات علمی این پدیده را «پارادوکس دولت‌سازی از بیرون» می‌نامد؛ جایی که حذف ناگهانی ساختار پیشین، بدون نهاد جایگزین باثبات، منجر به بی‌نظمی مژمن می‌شود.

۲.۲. افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۲۱)

پس از سقوط اولیه طالبان در افغانستان، ایالات متحده پروژه‌ای گسترده برای بازسازی دولت آغاز کرد. با این حال، بر اساس گزارش‌های منتشر شده از سوی RAND Corporation و Council on Foreign Relations، ضعف مشروعیت داخلی و وابستگی شدید نهادها به حمایت خارجی، مانع از تثبیت ساختار سیاسی شد. در نهایت، با خروج نیروهای خارجی، طالبان مجدداً قدرت را در دست گرفت؛ رخدادی که پرسش‌های جدی درباره پایداری تغییرات تحمیلی از بیرون ایجاد کرد.

۲.۳. لیبی (۲۰۱۱)

مداخله ناتو در لیبی و سقوط معمر قذافی، نمونه‌ای دیگر از تغییر رژیم با ابزار نظامی بود. تحلیل‌های منتشر شده در Chatham House نشان می‌دهد که فقدان



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

اقتصاد





## اقتصاد سیاسی جنگ رمضان



لطفعلی عاقلی،

پژوهشگر اقتصاد و عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

کنند و یک نقطه بهینه پیدا کنند.

این نقطه مبادله کجاست؟ این نقطه در جایی خارج از میادین نظامی تعیین می شود و نیازمند گفتگوهای طرف های خارج از جنگ و انتقال مذاکرات به طرفین جنگ است. این نقطه در اتاق های بسته جنگ که طرفین سعی دارند از میزان تلفات همدیگر آگاه شوند، پیدانمیست. تبعات اقتصادی و امنیتی جنگ هم نامشخص و تصاعدی است. افزایش قیمت نفت، فرآورده های نفتی و سایر کالاهای اساسی در غرب و کشورهای پرمصرف نفت خام در اثر محدودیت عبوز و مرور کشتی ها و نفتکش ها از تنگه هرمز، قابل تحمل نخواهد بود. شورای امنیت سازمان ملل ممکن است قطعنامه های شدیدتری را الزام آور تصویب کند و ائتلاف های منطقه ای و بین المللی علیه ایران شکل بگیرد. در این سو، عطش انتقام بابت شهادت رهبری و فرماندهای عالی رتبه و کودکان مدرسه و مردم بی گناه بالاست و اصولا کسی نباید ایران را به خاطر دفاع مشروع و مقدس از تمامیت ارضی و امنیت خود سرزنش نماید. اما تقبل خسارات از سوی دشمنان دو گانه ایران، قطع حملات و واسطه های یا مستقیم از کشورهای منطقه به سوی اهداف نظامی، انرژی یا غیر نظامی و مهار رژیم اسرائیل، شاید بتواند روزه جدیدی در هفته های پیش رو بگشاید. البته شخصیت دمدمی مزاج رییس جمهور آمریکا و خسارات وارده بر ناوگان و پایگاه های نظامی آمریکا بعید است این کشور را به پذیرش خسارات وارد بر کشور تحت تهاجم (ایران) وادارد. با این حال، تجربه شکایت ایران علیه آمریکا در جریان سقوط هواپیمای مسافری در ۱۲ تیر ۱۳۶۷ و محکومیت این کشور به پرداخت خسارت توسط دیوان دآوری لاهه، نشان می دهد که از قابلیت های کارشناسی در حقوق بین الملل می توان در این راستا بهره برد.

تخریب زیر ساخت ها و زیر ساخت ها، کارخانجات، مدرسه ها، پایگاه های خدمات رسان و مراکز نظامی و مدنی، مخارج سنگینی را به دوش آحاد جامعه تحمیل می کند. دولت مکررا صحبت از ساخت و بازسازی مراکز آسیب دیده در وضعی بهتر از قبل می کند. اما تأمین مالی بازسازی تخریب ها و خسارات به سادگی مقدور نیست و در نهایت دولت در فردای جنگ ناچار است دست به استقراض از بانک مرکزی و ایجاد یا خلق کسری بودجه هنگفت نماید. اتفاقا در شرایط پساجنگ و برای جبران خسارات، تجربه کشورهای درگیر در دو جنگ جهانی اول و دوم، سیاست استقراض دولت و کسری بودجه را مقبول و موجه شمرده است که البته حاصل نهایی آن ممکن است به فرم تورم افسار گسیخته باشد. البته چون اغلب مخارج از نوع هزینه های عمرانی است، به تبعیت از نظریه هاو لومو (Havelmo) ممکن است اثرات کوتاه مدت بیشتری بر تورم داشته باشند اما در بلندمدت سهم قابل توجهی در خلق تورم نخواهند داشت، زیرا موجب تسهیل تولید کالاها و خدمات خواهند شد. از سوی دیگر، عموم مردم و سپرده گذاران بانک ها مجبور خواهند بود بهای بازسازی تأسیسات اصلی آب، ارتباطات، برق، گاز، بزرگراه، بیمارستان ها و مدرسه ها را از جیب خود بپردازند. در هر حال، بر مبنای اینکه مصرف کنندگان، پرداخت کننده نهایی مالیات هستند، این مردم خواهند بود که در نهایت بایستی بهای بازسازی و جبران خسارات را بپردازند. لذا، که جنگ از اهداف اولیه خیلی فرار برود و خدای خواسته مناطق مسکونی هم هدف بمباران واقع شوند - کما اینکه تاکنون برخی واحدهای مسکونی هدف قرار گرفته اند - بار عظیم آوارها و خرابه های جنگ بر عهده همه سنگینی خواهد کرد. بنابراین، دولتمردان و نظامیان، بایستی یک نوع مبادله بین اهداف مشروع دفاعی و تخریب زیر ساخت ها و تلفات انسانی برقرار



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵





## دانشجو دکتری علوم سیاسی

دیوان با استناد به قاعده لاضرر (ضرورت جلوگیری از ورود آسیب ناحق به دارایی افراد)، اطلاق این دستورالعمل را ابطال کرد. ابطال اطلاق به این معناست که دیوان، تسری دادن حکم مسئولیت به تمامی مدیران، بدون در نظر گرفتن نقش و تقصیر آن‌ها را فاقد وجاهت قانونی دانست.

[illegible]

# تمدید طلایی بخشودگی جرایم سامانه مؤدیان؛ فرصت سازی



فاطمه قدم

دانشجو دکتری علوم سیاسی

این بخشنامه با استناد به ماده ۲ قانون تسهیل تکالیف مؤدیان پیوستگی بخشودگی را از سال ۱۴۰۳ به ۱۴۰۵ تسری داده است. نکته حایز اهمیت حقوقی در این متن تفویض اختیار به مدیران کل است. این تفویض اگرچه با هدف تسریع در امور صورت گرفته اما ضرورت ارایه لوایح دفاعی مستدل و مبتنی بر موازین قانونی را دوچندان می کند تا حق مؤدی در بهره مندی از حداکثر بخشودگی ضایع نگردد. همچنین شمول این بخشودگی نسبت به جرایم جزء (۳) بند ب ماده (۲۶) قانون مالیات بر ارزش افزوده فرصتی بی بدیل برای اصلاح انحرافات مالیاتی سنوات اخیر فراهم آورده است.

نتیجه گیری و راهبرد:

فرصت پیش رو تا پایان سال ۱۴۰۵ نه مجالی برای تساهل بلکه زمانی برای نظم بخشی به ساختار مالی است. مؤدیان محترم پیش از مواجهه با فرایندهای دادرسی نسبت به انطباق تکالیف خود با قوانین موضوعه اقدام نمایند. آنچه میرهن است، در منطق مالیاتی پیشگیری از جریمه همواره بر تلاش برای بخشودگی مقدم است. هوشمندی ایجاب می کند که از این انعطاف قانونی برای تثبیت انضباط مالی و خروج از ریسک های آتی استفاده شود.

انتشار بخشنامه شماره ۲۳۹۶/۲۰۰ ص، مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۱، واجد نکاتی حایز اهمیت در لایه های سیاست گذاری مالی و حکمرانی اقتصادی است که از منظر اندیشه سیاسی و حقوق مالیاتی نیازمند تبیین دقیق است.

۱- تحلیل از منظر حکمرانی و اندیشه سیاسی:

از منظر فلسفه سیاسی مالیات گذار از «قدرت قاهره» به «حکمرانی داده محور»، مستلزم جلب همکاری حداکثری جامعه مدنی است. تمدید بخشودگی ۱۰۰ درصدی جرایم موضوع ماده (۲۲) قانون پایانه های فروشگاهی تا پایان سال ۱۴۰۵ نشان دهنده درک لزوم مشروعیت بخشی به فرایندهای شفافیت از سوی دولت است. حاکمیت دریافته است که استقرار کامل سامانه مؤدیان بیش از آنکه نیازمند ابزارهای تنبیهی باشد مستلزم ایجاد ثبات و امنیت روانی برای کنش گران اقتصادی در دوران گذار است. در واقع این تمدید مهلت را می توان پیامی از سوی قدرت برای تحکیم قرارداد اجتماعی نوین میان دولت و ملت تلقی کرد.

۲- کالبدشکافی فنی:



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

سال انحصار مالیاتی: فرسایه وحدت ملی و امنیت ملی

بسمه تعالی

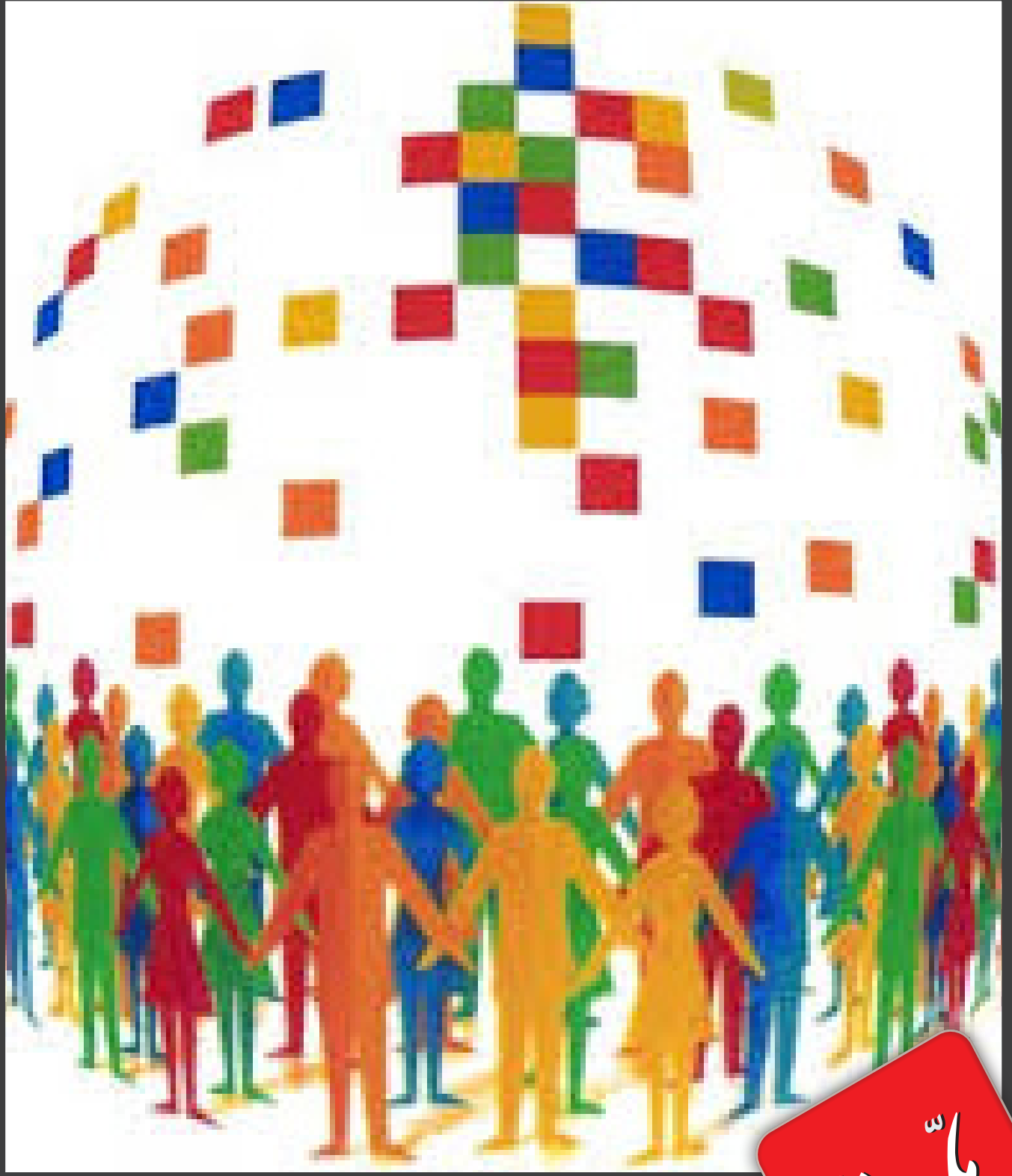
مدیران کل محترم امور مالیاتی

همان گونه که آگاهی دارید؛ مطابق ماده (۲) قانون تسهیل تکالیف مؤدیان جهت اجرای «قانون پایانه های فروشگاهی و سامانه مؤدیان» مصوب ۱۴۰۲، سازمان امور مالیاتی کشور می تواند تا پایان سال ۱۴۰۳ تا حد درحد (۱۰۰) جریمه های موضوع ماده (۲۲) قانون پایانه های فروشگاهی و سامانه مؤدیان را مورد بخشودگی قرار دهد. همچنین براساس بند (غ) تبصره (۱) قانون بودجه سال ۱۴۰۴، ماده (۲) قانون تسهیل تکالیف مؤدیان جهت اجرای «قانون پایانه های فروشگاهی و سامانه مؤدیان» در سال ۱۴۰۴ جاری بوده و جریمه های موضوع جزء (۳) بند (ب) ماده (۲۶) قانون مالیات بر ارزش افزوده را نیز شامل می شود.

در راستای بهبود فضای کسب و کار و تکریم مؤدیان مالیاتی و با عنایت به مجوز مراجع ذیصلاح قانونی، «مجموع اختیار بخشودگی جرایم موضوع ماده (۲۲) قانون پایانه های فروشگاهی و سامانه مؤدیان برای سال ۱۴۰۵ نیز جاری بوده و جرایم موضوع جزء (۳) بند (ب) ماده (۲۶) قانون مالیات بر ارزش افزوده را نیز شامل می شود. لذا لازم است ادارات کل امور مالیاتی، با رعایت مفاد بخشنامه ها و دستورالعمل های مربوط به تفویض اختیار بخشودگی جرایم یادشده، اقدامات لازم را بعمل آورند.

سید محمدصادق سبحانیان  
رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور

# اجتماعی



## منطق صلح و باز آرای هیویت ملی



فاطمه قدم

دانشجودکتری علوم سیاسی

هزینه‌ها، اما خاصیتی ساختارشکن دارند؛ به این معنا که می‌توانند جامعه را از رکود فعلی خارج کرده و به سوی سرنوشتی متمایز پرتاب کنند. در چنین وضعیتی، آنچه پیش‌تر غیر ممکن به نظر می‌رسید (مانند احیای همبستگی ملی یا اصلاح ساختارهای فرسوده)، به ضرورتی گریزناپذیر بدل می‌شود.

### بازگشت به خویشتن؛ سپر تمدنی در برابر تهدید

تجربه تاریخی ایران نشان داده است که این سرزمین در مقاطع حساس، همواره به نرم‌افزار هویت خود پناه برده است. قدرت ایران در طول تاریخ، بیش از آنکه متکی بر ابزارهای سخت باشد، بر توانایی جذب و هم‌جران‌ها در بستر فرهنگ و زبان استوار بوده است. امروز نیز در تقابل با تجاوزهای بیرونی و فشارهای بین‌المللی، آنچه می‌تواند ایران را از این پیچ تاریخی عبور دهد، بازگشت به همین خرد تمدنی است؛ خردی که صلح را نه در تسلیم، بلکه در اقتدار فرهنگی و وحدت اراده ملی می‌جوید.

### نتیجه‌گیری: ایران پس از بحران

ما اکنون در آستانه یک تحول بنیادین ایستاده‌ایم. تحولات اخیر و فشارهای همه‌جانبه، ایران را به سمتی سوق داده است که بازگشت به دوران پیش از بحران، دیگر میسر نیست. این وضعیت استثنایی، پتانسیل تولید پیامدهایی عظیم را در بطن خود دارد که می‌تواند فراتر از پیش‌بینی‌های رایج جامعه‌شناختی عمل کند. وظیفه‌نخبگان و اندیشمندان در این برهه، نه فقط هشدار نسبت به ویرانی‌های احتمالی، بلکه تلاش برای هدایت این انرژی بحران به سوی بازسازی قرارداد اجتماعی و تقویت پیوند میان حاکمیت و ملت است. صلح واقعی، تنها زمانی محقق می‌شود که از دل این تلاطم‌ها، ایرانی منسجم‌تر، آگاه‌تر و با اراده‌ای پولادین برای بقا سر برآورد.

### مقدمه: صلح؛ فراتر از سکوت سلاح‌ها

در ادبیات سیاسی و اندیشه نوین، صلح رانمی‌توان صرفاً در معنای سلبی آن، یعنی فقدان جنگ، خلاصه کرد. صلح در اصل ترین معنای خود، یک پروژه ملی و محصول یک اراده خردمندانه برای تدبیر حیات جمعی است. صلح، زیربنای ثبات و بستری است که در آن عقلانیت سیاسی بر تکانه‌های تخریبی غلبه می‌کند. در شرایط کنونی ایران، صلح طلبی نه یک انتخاب از سرانفعال، بلکه ضرورتی تمدنی برای پیشگیری از فروپاشی ساختارهایی است که در طول سده‌ها، انسجام این مرز و بوم را تضمین کرده‌اند.

### فرسایش از درون؛ بحران سرمایه اجتماعی

پیش از مواجهه با تکانه‌های بیرونی، باید به واقعیتی تلخ در لایه‌های زیرین جامعه نگرست: فرسایش تدریجی پیوندهای مدنی. طی سالیان اخیر، انباشت بحران‌های اقتصادی، شکاف‌های فزاینده میان دولت و ملت، و تضعیف اعتماد عمومی، جامعه را در وضعیتی از تعلیق قرار داده است. زمانی که سرمایه اجتماعی آسیب می‌بیند، همبستگی ملی نه بر پایه مشارکت فعال، بلکه بر نوعی اتمیزه شدن و انزوای فردی استوار می‌گردد. این وضعیت، جامعه را در برابر نوسانات تاریخی آسیب‌پذیر کرده و ظرفیت واکنش‌های سازنده را کاهش می‌دهد.

### رخدادهای استثنایی و منطق گسست

با این حال، تاریخ همواره بر پاشنه روندهای معمول نمی‌چرخد. گاه در میانه انسدادهای اجتماعی، رخدادهای گسست‌ساز همچون جنگ یا تهدیدهای موجودیتی پدیدار می‌شوند که منطق حاکم بر روزمرگی سیاسی را درهم می‌شکنند. این لحظات تاریخی، اگرچه لبریز از مخاطره و



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵







# وضعیت کارگران ایران پس از جنگ اخیر؛ میان ناامنی شغلی، تورم و فرسایش معیشت



حسن غلامی

## مقدمه

جنگ، صرفاً یک رخداد نظامی یا سیاسی نیست؛ بلکه بحرانی فراگیر است که نخستین و سنگین ترین آثار آن بر زندگی طبقات فرودست و نیروی کار آشکار می شود. در ایران نیز پس از جنگ و تنش های اخیر، جامعه کارگری با مجموعه ای از فشارهای اقتصادی، روانی و اجتماعی روبه رو شده است که امنیت شغلی، سطح درآمد، کیفیت زندگی و حتی آینده شغلی میلیون ها کارگر را تحت تأثیر قرار داده است.

کارگران در شرایط بحرانی معمولاً در موقعیتی قرار می گیرند که نه توان چانه زنی مؤثر دارند و نه از حمایت های پایدار برخوردارند. رکود اقتصادی، افزایش هزینه های تولید، کاهش ظرفیت کارخانه ها، اختلال در زنجیره تأمین و جهش قیمت کالاهای اساسی، همگی مستقیماً بر وضعیت نیروی کار اثر می گذارند. در چنین شرایطی، مسأله کارگران تنها یک موضوع صنفی نیست، بلکه به مسأله ای اجتماعی و حتی امنیتی تبدیل می شود.

## جنگ و اقتصاد؛ نخستین ضربه به نیروی کار

اقتصاد ایران پیش از جنگ اخیر نیز با مشکلاتی همچون تورم مزمن، کاهش ارزش پول ملی، بیکاری و رکود تولید مواجه بود. اما فضای جنگی و نااطمینانی ناشی از آن، فشارها را دوچندان کرد. بسیاری از کارگاه های کوچک و متوسط با کاهش سرمایه در گردش، افت فروش یا دشواری واردات مواد اولیه روبه رو شدند.

در چنین شرایطی، نخستین واکنش بسیاری از بنگاه ها کاهش هزینه نیروی انسانی است؛ از تعویق پرداخت حقوق گرفته تا اخراج نیروها، کاهش اضافه کاری و قراردادهای کوتاه مدت تر. کارگران روزمزد و شاغلان غیررسمی نیز بیش

از دیگران آسیب می بینند، زیرا فاقد بیمه و پشتوانه حقوقی کافی هستند.

افزون بر این، نااطمینانی اقتصادی باعث می شود سرمایه گذاری جدید کاهش یابد و بازار کار بیش از پیش کوچک شود. نتیجه این وضعیت، افزایش رقابت برای مشاغل محدود و تضعیف قدرت چانه زنی کارگران است.

## فرسایش دستمزدها در سایه تورم

یکی از مهم ترین پیامدهای دوران پس از جنگ، تشدید تورم و کاهش قدرت خرید خانوارهای کارگری است. حتی در شرایطی که دستمزدها به صورت اسمی افزایش پیدا می کند، سرعت رشد قیمت کالاهای اساسی، مسکن، حمل و نقل و خدمات درمانی بسیار بیشتر از افزایش حقوق هاست.

کارگران امروز بخش عمده درآمد خود را صرف هزینه های اولیه زندگی می کنند؛ هزینه هایی که هر ماه سهم بیشتری از سبد خانوار را می بلعد. بسیاری از خانواده های کارگری ناچار شده اند از هزینه های آموزش، سلامت، تغذیه یا تفریح بکاهند تا بتوانند از پس اجاره خانه و خوراک روزانه بیایند.

در این میان، کارگران مهاجر، زنان سرپرست خانوار و کارگران فصلی در موقعیتی شکننده تر قرار دارند. نبود حمایت اجتماعی کافی می تواند شکاف طبقاتی را عمیق تر و چرخه فقر را گسترده تر کند.

## ناامنی شغلی و گسترش قراردادهای موقت

یکی دیگر از پیامدهای فضای بحران، گسترش قراردادهای موقت و کاهش امنیت شغلی است. بسیاری از کارفرمایان در شرایط بی ثبات اقتصادی ترجیح می دهند از استخدام رسمی فاصله بگیرند و قراردادهای کوتاه مدت یا سفیدامضا را افزایش دهند.

بسیاری از کارگران در شرایطی زندگی می کنند که ساعت های طولانی کار، دستمزد ناکافی و نگرانی دائمی درباره آینده، امکان استراحت و آرامش را از آنان گرفته است. افزایش افسردگی، اضطراب، خشونت خانگی و احساس بی ثباتی اجتماعی از جمله پیامدهایی است که در دوره های پس از جنگ و بحران اقتصادی معمولاً افزایش پیدا می کند.

این بحران روانی، در بلندمدت می تواند بهره وری نیروی کار را کاهش دهد و آسیب های اجتماعی گسترده تری به همراه داشته باشد.

### نقش دولت و ضرورت حمایت اجتماعی

در شرایط پس از جنگ، دولت ها معمولاً با دو انتخاب روبه رو هستند: یا بار بحران را بر دوش طبقات فرودست بگذارند، یا با سیاست های حمایتی مانع از فروپاشی معیشت عمومی شوند.

این وضعیت موجب می شود کارگران همواره در هراس از اخراج یا تعطیلی محل کار باشند. ترس از بیکاری نیز باعث کاهش اعتراضات صنفی و تضعیف تشکل های کارگری می شود. در عمل، بحران اقتصادی می تواند توازن قدرت میان کارگر و کارفرما را بیش از پیش به سود سرمایه داران تغییر دهد.

از سوی دیگر، برخی صنایع به دلیل کاهش صادرات، محدودیت های مالی یا اختلال در حمل و نقل بین المللی با افت تولید مواجه شده اند. این مسأله به ویژه در صنایع تولیدی و کارخانه های وابسته به مواد اولیه وارداتی نمود بیشتری دارد.

### سلامت روان؛ بحران خاموش طبقه کارگر

پیامدهای جنگ تنها به اقتصاد محدود نمی شود. اضطراب ناشی از ناامنی، نگرانی درباره آینده شغلی، فشار معیشتی و فرسودگی روانی، سلامت روان کارگران را نیز تهدید می کند.



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

## چه خواهد شد؟



عباس امامی



هم نداشتن متحدی قدرتمند که بتواند به عنوان تکیه گاه عمل می کند همانند اخراج نیروهای شوروی از آذربایجان و قرارداد ۱۹۷۵ که با پشتوانه آمریکا انجام گرفت.. جنگ های فعلی هیچ شباهتی به جنگ ۸ ساله ندارد که از انبوه نیروهای پیاده در حمله به مواضع دشمن استفاده می شد لذا ایران در یک غافلگیری نتوانست در برابر دشمنی که در ورای مرزهای زمینی خود بود واکنشی مناسب و در خور نشان دهد و امنیت مردم را علی رغم شعارهای داده شده تأمین کند. این شکست باعث عدم اعتماد مردم به سیستمی شد که سال ها برای آن هزینه شده بود لذا بازگشت به گذشته و یادآوری ارتشی قدرتمند در منطقه تداعی اذهان شد.

ناکامی در ایجاد امنیت اقتصادی و رفاه نیز از جمله مواردی بود که مردم را وادار به رجوع به گذشته کرد. جمهوری اسلامی نتوانست از مواهب سرزمینی چه از نظر ژئوپلیتیک و چه ثروت بی شمار در ایجاد رفاه، مؤثر عمل کند و مردم با دیدن کشورهای پیرامونی، خود را مغبون یافتند. لذا اعتراضات از مرحله سیاسی و فرهنگی به اقتصادی و معیشتی گرایش یافت و

فلسفه وجودی یک نظام تأمین امنیت و رفاه اجتماعی صرف نظر از جایگاه فکری و ایدئولوژی است همه حکومت ها با الویت قراردادن امنیت کشور اقتدار خود را به جهان پیرامونی و مردم نشان می دهد قدرت نظامی و اقتصادی دو مؤلفه مهم در پیدایی و استمرار این دو مقوله است.

جمهوری اسلامی در جنگ هشت ساله به مدد پایداری و حضور مردم در صحنه، از آزمون تأمین امنیت سربلند بیرون آمد. ولی تأکید و سرمایه گذاری در بخش های نظامی، سایر موارد از الویت خارج و موجب انباشت نارضایتی و فقر در میان توده هایی شد که از اصلی ترین حامیان انقلاب بودند.

ایران در لبه تیغ امنیت داخلی و پیرامونی مانور می داد و هرگونه را تهدید در فراسوی مرزهای ملی را نیز بی پاسخ نمی گذاشت. اسرائیل در جنگ دوازده روزه دقیقاً مهم ترین و اصلی ترین استراژی و شعارمحوری ایران را مورد هدف قرارداد؛ امنیت ایران مورد تعرض قرار گرفت و این هجمه هیمنه نظامی را فرو ریخت. بازسازی و بازگشت به نقطه اصلی غیرممکن است هم از نظر تکنولوژی و هم سرمایه گذاری و



هفته نامه غیربرخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵



موضوع بعد ایران همیشه در تاریخ، کشوری مرکز محور بوده و هرگونه تحول و تغییر در مرکز می تواند سایر مناطق را تحت تأثیر قرار دهد. به آیا این اعتراضات پایان یافته است؟ علی رغم خشونت بکار رفته به خاطر عدم تأمین امنیت و رفاه و نبود چشم انداز و امید دوباره شاهد اعتراضات خواهیم بود به خصوص اینکه اپوزیسیون به خارج از کشور منتقل شده و خواهان براندازی است و خود را علنا وابسته و وام دار آمریکا و غرب می داند لذا همیشه می تواند قدرت تأثیرگذاری در اعتراضات داشته باشد.

آیا سرکوب و خشونت می تواند جامعه را به عقب براند؟ سرکوب تأثیر لحظه ای و کوتاه مدت دارد ولی خشم و کینه اثری ماندگار حداقل در دو نسل را در پی دارد. لذا خشونت نمی تواند مردم را از خواسته های خود عقب براند.

چه خواهد شد؟

سؤالی که همه می پرسند جمهوری اسلامی اگر با آمریکا مصالحه کند باید پاسخگوی همه هزینه هایی باشد که در ۴۷ سال گذشته برای آرمان های خود کرده است به خصوص کسانی که هنوز بر سر آرمان ها توافق دارند.

ولی آنچه می توان متصور شد اگر جمهوری اسلامی بماند با همان طرفداران وفادار خود به خاطر عدم مشارکت اکثریت مردم در انتخابات آتی همه مناصب را قبضه خواهند کرد این چشم انداز خوبی نیست.

حداقل این که از آنچه تصور می کنیم بدتر خواهد بود یادآوری می کنم نه آمریکا و نه اروپا دلسوز مردم ایران نیستند آنها خواهان ایرانی ضعیف با هر رژیمی هستند دموکراسی وعده داده شده سرابی بیش نیست. روزهای سختی پیش رو داریم.

به مرور شهرها و مناطق حاشیه را درگیر کرد مقابله با اعتراضات اقتصادی به مراتب سخت تر است و عملاً پایگاه های نظام هدف قرار گرفت و موجب نارضایتی در میان اقشاری شد که تکیه گاه نظام شمرده می شدند.

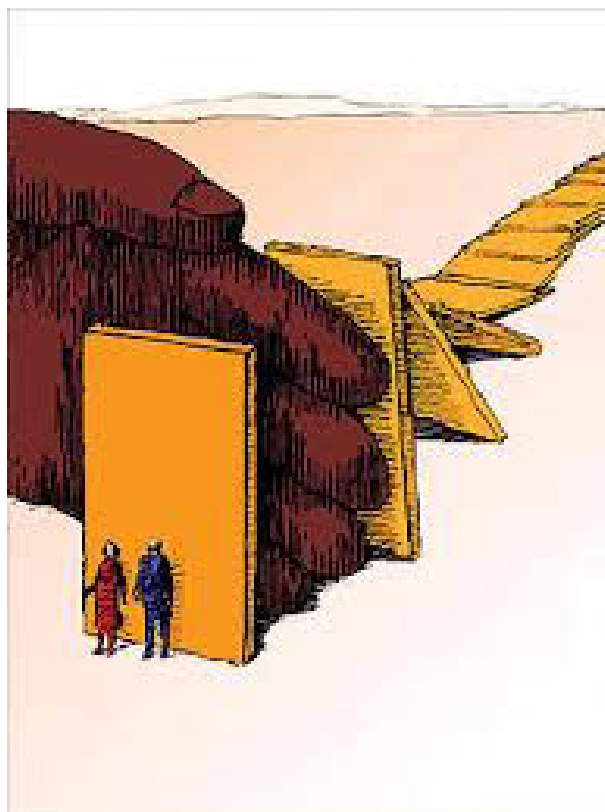
تا سال ۱۴۰۱ و جنبش زن، زندگی، آزادی اپوزیسیون در داخل کشور بود و مردم خواهان اصلاحات در چارچوب قانون اساسی بودند و علی رغم اعتراضات همچنان همچنان به امید فردایی بهتر در انتخابات شرکت می کردند.

انتقال اپوزیسیون به خارج از کشور عملاً کنترل اعتراضات از دست رفت و جنبش اعتراضی خواستار تغییرات اساسی شد. اپوزیسیون به خارج از کشور دلبسته به مداخله خارجی حتی با حملات نظامی بود و این شعار را نیز به بدنه معترضان داخلی می دهد تا نوعی مشروعیت برای حملات ایجاد کند.

سرکوب بی سابقه معترضان حاکی از رویارویی نظام و اپوزیسیون دارد و این نشان می دهد برای بقا حاضر به هرکاری است چیزی که در سایر اعتراضات شاهد آن نبودیم.

سهل نگری و ساده انگاری رهبران اپوزیسیون در مبارزات سیاسی و محاسبات اشتباه باعث شد کشور به سمت و سوی خشونت ورزی و انتقام گیری سوق داده شود که آثار و پیامدهای آن را در ادامه راه بخصوص در شهرهای کوچک شاهد خواهیم بود. انقلابات دارای شاخص هایی هستند که اعتراضات دی ماه در برگرفته همه آنها بود لذا شکست در این مرحله دور از ذهن نبود هرچند تحلیل و چرایی آن در فضای کنونی هنوز میسر نیست.

اعتراضات نتوانست همبستگی مؤثری در همه اقوام ایجاد کند به طوری که بخشی از کشور به جنبش نپیوست و حمایت مؤثری انجام نداد.



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

# معرفی کتاب





## معرفی کتاب

# اندیشکده‌ها باید چه کاری انجام دهند؟



مریم کوشکی

نویسنده: اندروسیلی

مترجم: محمدمهدی پریش

ناشر: انتشارات حزب اراده ملت ایران

سال انتشار: چاپ اول، ۱۴۰۵

شابک: ۹۷۰۶۲۲-۵۰۸۶-۲۳-۴

تعداد صفحات: ۱۲۴ صفحه

\*\*\*

در دهه‌های اخیر، مفهوم «اندیشکده» به یکی از مفاهیم مهم در ادبیات سیاستگذاری عمومی، حکمرانی و فعالیت‌های مدنی تبدیل شده است. در بسیاری از کشورها، اندیشکده‌ها نقش قابل توجهی در تولید ایده‌های سیاستی، تحلیل مسائل عمومی و کمک به فرآیند تصمیم‌گیری ایفا می‌کنند. با این حال، در فضای فکری و پژوهشی ایران، این مفهوم هنوز به‌طور کامل شناخته نشده و منابع فارسی درباره چپستی، کارکرد و الزامات فعالیت اندیشکده‌ها محدود است. در چنین شرایطی، کتاب «اندیشکده‌ها باید چه کاری انجام دهند؟» نوشته اندرو سیلی و ترجمه محمدمهدی پریش، اثری قابل توجه است که می‌کوشد به‌طور روشن و نظام‌مند به این پرسش پاسخ دهد که اندیشکده‌ها چه نقشی در جامعه دارند و چگونه می‌توانند در عرصه سیاستگذاری اثرگذار باشند.

این کتاب در قالب مجموعه «سازوکار اندیشکده‌ها» منتشر شده است؛ مجموعه‌ای که با هدف گسترش ادبیات فارسی در حوزه نهادهای مدنی و معرفی تجربه‌ها و مفاهیم مرتبط با این حوزه شکل گرفته است. انتشار این مجموعه بر این فرض استوار است که جامعه‌ی مدنی برای تقویت و کارآمدی خود نیازمند دانش نظری و تجربه‌های عملی است و یکی از راه‌های تحقق این امر، ترجمه و انتشار آثاری است که به معرفی و تحلیل نهادهای مدنی در جهان معاصر می‌پردازند. «اندیشکده‌ها باید چه کاری انجام دهند؟» به‌عنوان یکی از عناوین این مجموعه، به بررسی یکی از مهم‌ترین نهادهای فکری و پژوهشی در حوزه سیاست عمومی اختصاص یافته است.

اندرو سیلی در این کتاب تلاش می‌کند تصویری روشن از ماهیت و کارکرد اندیشکده‌ها ارائه دهد. او از همان ابتدا تأکید می‌کند که اندیشکده‌ها را نباید صرفاً مراکزی پژوهشی یا دانشگاهی دانست. به باور او، اندیشکده‌ها نهادهایی هستند که در نقطه تلاقی میان دانش و سیاست قرار می‌گیرند و وظیفه اصلی آن‌ها تبدیل پژوهش و تحلیل به ایده‌هایی است که

بتوانند در عرصه سیاست عمومی مورد استفاده قرار گیرند. از این منظر، اندیشکده‌ها حلقه واسطی میان دانشگاه‌ها، دولت‌ها، نهادهای مدنی و افکار عمومی محسوب می‌شوند و می‌توانند در شکل‌دهی به مباحث و جهت‌گیری‌های سیاستی نقش مهمی ایفا کنند.

کتاب با طرح این پرسش آغاز می‌شود که چرا اندیشکده‌ها اهمیت دارند و چه نیازی به وجود آن‌ها در فضای سیاستگذاری احساس می‌شود. نویسنده توضیح می‌دهد که سیاستگذاری در جهان امروز با پیچیدگی‌های فراوانی روبه‌رو است و تصمیم‌گیران برای مواجهه با مسائل متنوع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نیازمند تحلیل‌های دقیق و پیشنهادهای مبتنی بر پژوهش هستند. در چنین فضایی، اندیشکده‌ها می‌توانند با تولید دانش کاربردی، ارائه‌ی راه‌حل‌های عملی و برقراری ارتباط میان پژوهشگران و سیاست‌گذاران، به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری عمومی کمک کنند.

یکی از محورهای اصلی کتاب، بحث درباره «مأموریت» اندیشکده‌ها است. نویسنده تأکید می‌کند که هر اندیشکده برای موفقیت نیازمند تعریف مأموریتی روشن و مشخص است. مأموریت، در واقع چارچوبی است که جهت‌گیری فعالیت‌ها، اولویت‌های پژوهشی و نوع تعامل اندیشکده با محیط پیرامون را تعیین می‌کند. بدون چنین مأموریتی، فعالیت‌های اندیشکده پراکنده و بی‌هدف خواهد شد و امکان اثرگذاری آن در عرصه عمومی کاهش می‌یابد.

در ادامه، کتاب به نقش «ایده‌ها» در فعالیت اندیشکده‌ها می‌پردازد. اندیشکده‌ها باید توانایی تولید ایده‌هایی را داشته باشند که علاوه بر برخورداری از پشتوانه علمی، قابلیت اجرا در سیاست‌های عمومی را نیز داشته باشند. از نظر نویسنده، ارزش واقعی اندیشکده‌ها در توانایی آن‌ها برای تبدیل تحلیل‌های نظری به پیشنهادهای سیاستی مشخص و قابل اجرا نهفته است. چنین ایده‌هایی می‌توانند به سیاست‌گذاران کمک کنند تا با دیدی روشن‌تر و مبتنی بر دانش، به مسائل پیچیده اجتماعی و اقتصادی پاسخ دهند.

موضوع مهم دیگری که در کتاب مورد توجه قرار گرفته، «مخاطبان» اندیشکده‌ها هستند. نویسنده معتقد است که اندیشکده‌ها باید به‌خوبی بدانند که برای چه کسانی تولید محتوا می‌کنند و چه گروه‌هایی مخاطب اصلی فعالیت‌های آن‌ها هستند. سیاست‌گذاران، مدیران دولتی، نمایندگان پارلمان، رسانه‌ها، دانشگاهیان و حتی افکار عمومی می‌توانند در زمره



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵



هفته‌نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

مخاطبان اندیشکده‌ها قرار گیرند. شناخت دقیق این مخاطبان و برقراری ارتباط مؤثر با آن‌ها، یکی از عوامل تعیین‌کننده در موفقیت یک اندیشکده است.

کتاب همچنین به مسأله «منابع» و الزامات سازمانی فعالیت اندیشکده‌ها می‌پردازد. اداره‌ی یک اندیشکده تنها به تولید گزارش‌های پژوهشی محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم مدیریت منابع مالی، جذب نیروهای متخصص، ایجاد شبکه‌های ارتباطی و سازماندهی فعالیت‌های پژوهشی و رسانه‌ای است.

نویسنده در این بخش نشان می‌دهد که پایداری و استقلال اندیشکده‌ها تا حد زیادی به نحوه‌ی تأمین و مدیریت منابع آن‌ها وابسته است.

از دیگر موضوعات مهم کتاب، بحث درباره «ارزیابی عملکرد» اندیشکده‌ها است. نویسنده بر این نکته تأکید می‌کند که اندیشکده‌ها باید بتوانند اثرگذاری خود را در عرصه سیاست عمومی بسنجند و از طریق ارزیابی مستمر، فعالیت‌های خود را بهبود بخشند. این ارزیابی می‌تواند شامل بررسی میزان تأثیر پژوهش‌ها بر سیاستگذاری، میزان توجه رسانه‌ها به ایده‌های مطرح‌شده و سطح ارتباط اندیشکده با تصمیم‌گیران و نهادهای عمومی باشد.

یکی از ویژگی‌های مهم این اثر، نگاه واقع‌بینانه و عملی آن به فعالیت اندیشکده‌ها است. نویسنده تلاش می‌کند از ارائه‌ی تصویری صرفاً نظری از این نهادها پرهیز کند و در عوض، با زبانی ساده و قابل فهم، به توضیح تجربه‌ها و الزامات عملی

فعالیت در این حوزه بپردازد. همین ویژگی سبب شده است که کتاب برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان، از پژوهشگران علوم سیاسی و سیاستگذاری عمومی گرفته تا مدیران نهادهای مدنی و فعالان اجتماعی، قابل استفاده باشد.

اهمیت این کتاب برای فضای فکری ایران از آن جهت قابل توجه است که بحث اندیشکده‌ها در کشور هنوز درحال شکل‌گیری است و بسیاری از نهادهایی که با این عنوان فعالیت می‌کنند، همچنان با پرسش‌هایی اساسی درباره‌ی مأموریت، شیوه فعالیت و نحوه‌ی اثرگذاری خود روبه‌رو هستند. مطالعه چنین آثاری می‌تواند به روشن‌تر شدن این پرسش‌ها کمک کند و زمینه‌ی شکل‌گیری گفت‌وگویی جدی‌تر درباره نقش نهادهای فکری در سیاستگذاری عمومی را فراهم سازد.

در مجموع، «اندیشکده‌ها باید چه کاری انجام دهند؟» کتابی است درباره نقش ایده‌ها در سیاست و جایگاه نهادهایی که وظیفه تولید و انتقال این ایده‌ها را بر عهده دارند. این اثر نشان می‌دهد که اندیشکده‌ها تنها زمانی می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند که علاوه بر تولید دانش، توانایی ارتباط با سیاستگذاران، شناخت مسائل واقعی جامعه و ارائه راه‌حل‌های عملی برای آن‌ها را نیز داشته باشند. از این منظر، کتاب حاضر را می‌توان راهنمایی فشرده اما راهگشا برای فهم ماهیت، کارکرد و اهمیت اندیشکده‌ها در جهان امروز دانست؛ اثری که می‌تواند به توسعه ادبیات فارسی در حوزه سیاستگذاری و نهادهای مدنی کمک کند و زمینه‌ای برای تأمل بیشتر درباره پیوند میان دانش، سیاست و جامعه فراهم آورد.

سازوکار ۱  
اندیشکده‌ها

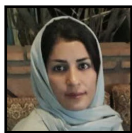
## اندیشکده‌ها باید چه کاری انجام دهند؟

راهنمای راهبردی برای تأثیرگذاری بر سیاستگذاری

اندر وسیلی • ترجمه محمد مهدی پریش

## آینده؛ از آن کودکان

## نقد و بررسی کتاب «جنگ از نگاه کودکان»



فاطمه وهابی زاده

بخش‌ها، تحلیل‌های بیشتر بر برداشت شخصی نویسنده استوار است تا چارچوب نظری منسجم  
۳. محدود بودن دامنه سنی  
تمرکز پژوهش بر کودکان هفت تا نه ساله، اگرچه انسجام پژوهش را حفظ کرده، اما امکان بررسی تطبیقی میان گروه‌های سنی مختلف را از بین برده است. مقایسه کودکان، نوجوانان و حتی نسل‌های بزرگ‌تر می‌توانست تصویری گسترده‌تر از حافظه جنگ ارائه دهد.

## اهمیت کتاب در فضای امروز

در دورانی که جهان همچنان با جنگ، مهاجرت اجباری و خشونت روبه‌روست، کتاب «جنگ از نگاه کودکان» اهمیت دوچندانی پیدای می‌کند. این اثر یادآوری می‌کند که جنگ تنها در میدان نبرد رخ نمی‌دهد؛ بلکه در ذهن کودکان، در حافظه جمعی و در فرهنگ عمومی نیز ادامه پیدا می‌کند.  
کتاب همچنین این پرسش مهم را مطرح می‌کند که جامعه چگونه تصویر جنگ را به نسل‌های بعد منتقل می‌کند و چه مسؤولیتی در قبال سلامت روان کودکان دارد.

## \*جمع‌بندی

جنگ از نگاه کودکان اثری قابل تأمل و متفاوت در حوزه مطالعات جنگ و کودک است که با تمرکز بر نقاشی‌های کودکان، تلاش می‌کند اثرات پنهان و ماندگار جنگ را در ذهن نسل جدید نشان دهد. هرچند کتاب در برخی بخش‌ها نیازمند تحلیل نظری عمیق‌تر است، اما ارزش اصلی آن در طرح پرسشی مهم و انسانی نهفته است: کودکان چگونه جنگ را می‌بینند و جامعه چگونه این تصویر را در ذهن آنان می‌سازد؟



کتاب جنگ از نگاه کودکان نوشته زینب درودیان را می‌توان تلاشی متفاوت در حوزه مطالعات جنگ، کودک و روان‌شناسی اجتماعی دانست؛ اثری که به جای روایت مستقیم جنگ، سراغ بازتاب آن در ذهن و تخیل کودکان رفته است. نویسنده با تکیه بر نقاشی‌های کودکان هفت تا نه ساله، تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه مفهوم جنگ — **even** برای نسلی که خود تجربه مستقیم جنگ ایران و عراق را نداشته در حافظه فرهنگی و ذهن جمعی جامعه باقی مانده است. (طاقچه)

## جنگ از دریچه نقاشی کودکان

مهم‌ترین ویژگی کتاب، انتخاب «نقاشی کودک» به عنوان ابزار پژوهش است. درودیان بر این فرض استوار است که کودکان بسیاری از اضطراب‌ها، ترس‌ها و دریافت‌های ذهنی خود را نه در گفتار، بلکه در تصویر بیان می‌کنند. از همین رو، او با گردآوری نقاشی‌های کودکان در شهرها و استان‌های مختلف ایران، به تحلیل نمادها، رنگ‌ها و عناصر تکرار شونده در این آثار پرداخته است. (طاقچه)

در کتاب، جنگ صرفاً به معنای تانک و اسلحه نیست؛ بلکه به شکل ترس، ناامنی، مرگ، قهرمان‌سازی و حتی مفاهیم مذهبی و ملی در ذهن کودک بازتولید می‌شود. این مسأله نشان می‌دهد که حافظه جنگ در جامعه ایران همچنان فعال است و از طریق رسانه، خانواده، آموزش و فرهنگ عمومی به نسل‌های بعد منتقل می‌شود.

## نقاط قوت کتاب

۱. رویکرد میان‌رشته‌ای  
کتاب در مرز میان جامعه‌شناسی، روان‌شناسی کودک و مطالعات جنگ حرکت می‌کند. همین ویژگی باعث شده اثر تنها یک پژوهش توصیفی نباشد، بلکه ابعاد فرهنگی و روانی جنگ را نیز آشکار کند.
۲. توجه به «هسل پس از جنگ»  
بخش مهمی از اهمیت کتاب در این است که نویسنده به سراغ کودکانی رفته که خود جنگ را ندیده‌اند. این پرسش که «چگونه کودکی که جنگ را تجربه نکرده، هنوز تصویری جنگی از جهان دارد؟» یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کتاب است.
۳. استفاده از داده‌های میدانی  
درودیان برای گردآوری نقاشی‌ها تنها به تهران محدود نشده و به استان‌های مختلف سفر کرده است. این تنوع جغرافیایی به پژوهش اعتبار بیشتری داده و امکان مقایسه ذهنیت کودکان در مناطق گوناگون را فراهم کرده است. (طاقچه)

## نقاط ضعف و نقدها

۱. با وجود اهمیت موضوع، کتاب در برخی بخش‌ها با محدودیت‌هایی روبه‌روست.  
غلبه توصیف بر تحلیل  
در بعضی فصل‌ها، نویسنده بیشتر به توصیف نقاشی‌ها می‌پردازد تا تحلیل عمیق روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی آن‌ها. مخاطب انتظار دارد میان نمادهای تصویری کودکان و ساختارهای فرهنگی یا رسانه‌ای جامعه پیوندهای دقیق‌تری برقرار شود.
۲. کمبود ارجاع به نظریه‌های روز  
کتاب می‌توانست با استفاده گسترده‌تر از نظریه‌های جدید حوزه «مطالعات تروما»، «حافظه جمعی» یا «روان‌شناسی جنگ» غنای علمی بیشتری پیدا کند. در برخی



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

بیانیه

مدیران  
خبر اراده

تاسیس ۱۳۶۹



## بیانیه دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران

فرصت‌های شغلی، قوانین تبعیض آمیز و تحمیل ناعادلانه مسئولیت‌های مراقبتی بدون حمایت اجتماعی، ناقض اصل برابری شهروندی است. حزب اراده ملت ایران بر این اصل پای می‌فشارد که دموکراسی بدون برابری کامل حقوقی، اقتصادی و اجتماعی زنان محقق نخواهد شد. ۴. عدالت منطقه‌ای در چارچوب ملت-دولت واحد تمرکزگرایی افراطی سیاسی، اقتصادی و اداری، عامل اصلی نابرابری منطقه‌ای و احساس محرومیت در بخش‌هایی از کشور بوده است. این روند، علاوه بر تضعیف توسعه متوازن، به تخریب محیط زیست محلی و مهاجرت اجباری نیروی کار انجامیده است.

ما خواهیم:

توسعه متوازن منطقه‌ای؛

واگذاری واقعی اختیارات اداری و توسعه‌ای به نهادهای محلی منتخب در چارچوب قانون اساسی؛

رفع تبعیض در دسترسی به منابع، خدمات و فرصت‌ها؛

و احترام به حقوق فرهنگی و زبانی شهروندان ایرانی در چارچوب وحدت ملی هستیم

این مطالبات، در تعارض با یکپارچگی کشور نیست، بلکه شرط تقویت انسجام ملی و اعتماد عمومی است.

۵. محیط زیست: مسئولیت حکمرانی و حق نسل‌های آینده

تخریب محیط زیست، نتیجه سیاست‌های توسعه‌محور غیرپاسخ‌گو و فسادزا است. حفاظت از محیط زیست، نه یک مطالبه حاشیه‌ای، بلکه مسئولیتی حاکمیتی و حقی بین‌نسلی است که مستلزم شفافیت، پاسخ‌گویی و مشارکت مؤثر جوامع محلی است.

۶. کودکان کار و مسئولیت اجتماعی دولت

کودکان کار، قربانیان مستقیم فقر، نابرابری و ضعف نظام حمایت اجتماعی‌اند. ریشه‌کن کردن کار کودک، بدون تضمین آموزش رایگان، تأمین اجتماعی فراگیر و امنیت معیشتی خانواده‌ها، ممکن نخواهد بود.

۷. بحران نمایندگی و ضرورت گشایش سیاسی

محدودسازی مشارکت سیاسی و تضعیف نهادهای انتخابی، به بحران نمایندگی انجامیده و فاصله میان جامعه و ساختار قدرت را افزایش داده است. بازسازی اعتماد عمومی، بدون گشایش واقعی فضای سیاسی ممکن نیست.

۸. حق اعتراض و صیانت از امنیت ملی

حزب اراده ملت ایران، ضمن حمایت از مطالبات بحق معترضان، بر ضرورت تضمین حق اعتراض قانونی و مسالمت‌آمیز برای همه شهروندان تأکید دارد. مسدودسازی این مسیرها، زمینه‌سازی بی‌ثباتی اجتماعی، سوءاستفاده‌ی نیروهای فرصت‌طلب و تهدید امنیت ملی خواهد بود.

ما معتقدیم مسائل ایران باید در داخل کشور و با تکاپو حزب اراده ملت ایران حل و فصل شود. هرگونه مداخله خارجی، نه تنها کمکی به حل بحران‌ها نمی‌کند، بلکه موجب پیچیده‌تر شدن شرایط و افزایش هزینه‌های ملی خواهد شد.

۹. افق سیاسی: اصلاحات، عدالت و انسجام ملی

حزب اراده ملت ایران خواهان مسیری اصلاحی و تدریجی است که:

دموکراسی سیاسی را با عدالت اجتماعی پیوند دهد؛

با فساد، ناکارآمدی و تبعیض به صورت ساختاری مقابله کند؛

سیاست خارجی را در خدمت منافع ملی و امنیت اقتصادی کشور قرار دهد؛

و بر تقویت انسجام ملی در چارچوب ملت-دولت واحد ایران استوار باشد.

این بیانیه، دعوتی است به گفت‌وگو، همبستگی و کنش مسؤولانه برای ساختن ایرانی آزاد، عادلانه، یکپارچه و پایدار.

دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران

۱۴۰۴/۱۰/۱۵

ایران امروز با مجموعه‌ای از بحران‌های درهم‌تنیده اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی مواجه است؛ بحران‌هایی که ریشه‌های اصلی آن‌ها را باید در نابرابری ساختاری، فساد گسترده، ناکارآمدی مژمن حکمرانی و سیاست خارجی تنش‌زا جست‌وجو کرد؛ سیاست‌هایی که امنیت اقتصادی، انسجام اجتماعی و چشم‌انداز توسعه پایدار کشور را به طور جدی تهدید کرده‌اند.

تداوم این وضعیت، به گسترش فقر، تعمیق شکاف‌های طبقاتی، تشدید تبعیض‌های اجتماعی، تخریب گسترده محیط زیست و انسداد مستمر مسیرهای مشارکت سیاسی انجامیده است. پیامدهای این شرایط، پیش و بیش از همه بر دوش اکثریت جامعه‌مزدبگیران، زنان، کودکان، بازنشستگان، شاغلان غیررسمی، اقوام و گروه‌های فرهنگی و زبانی درون ملت ایران، و ساکنان مناطق محروم و پیرامونی سنگینی می‌کند.

حزب اراده ملت ایران، با پایبندی به اصل بنیادین وجود یک ملت-دولت واحد ایرانی، بر این باور است که تنوع قومی، زبانی و فرهنگی، واقعیتی انکارناپذیر و بخشی از سرمایه‌ی اجتماعی ملت ایران است که باید در چارچوب برابری کامل حقوق شهروندی، انسجام ملی و تمامیت ارضی کشور به رسمیت شناخته شود؛ نه از مسیر انکار، و نه با پذیرش هرگونه گسست سیاسی یا سرزمینی.

از منظر سوسیال دموکراسی، دموکراسی سیاسی بدون عدالت اجتماعی، و عدالت اجتماعی بدون حکمرانی کارآمد، شفاف، پاسخ‌گو و عاری از فساد، و بدون سیاست خارجی عقلانی مبتنی بر تنش‌زدایی و تأمین منافع ملی، امکان تحقق ندارد.

این بیانیه بر موارد زیر تأکید دارد:

۱. تشخیص وضعیت: بحران ساختاری حکمرانی، کار و زیست‌پذیری بحران کنونی ایران، بحرانی ساختاری و چندبعدی است که خود را در جلوه‌های زیر نشان می‌دهد:

گسترش فقر در میان مزدبگیران، حتی با وجود اشتغال؛ بی‌ثباتی شغلی، تضعیف نظام تأمین اجتماعی و محدودسازی تشکلهای صنفی و مدنی؛

تبعیض‌های قانونی و ساختاری علیه زنان؛

نابرابری در برخورداری از فرصت‌ها و منابع در میان شهروندان ایرانی با پیشینه‌های قومی، زبانی و فرهنگی متفاوت؛

نابرابری شدید منطقه‌ای و محروم‌سازی مژمن مناطق پیرامونی؛ تخریب گسترده‌ی منابع طبیعی در نتیجه‌ی سیاست‌گذاری‌های غیرپاسخ‌گو و ناکارآمد.

این وضعیت، حاصل الگویی از حکمرانی است که در آن شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت اجتماعی و آینده‌نگری، جایگاهی شایسته در تصمیم‌سازی‌های کلان کشور ندارند.

۲. مزدبگیران و مشارکت در قدرت اقتصادی و سیاسی اکثریت جامعه‌ی ایران را مزدبگیران -در حوزه‌های یدی، فکری و خدماتی- تشکیل می‌دهند؛ با این حال، این گروه اجتماعی از مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی محروم مانده‌اند. این محرومیت در مناطق کمتر توسعه‌یافته، تشدید شده است.

حزب اراده ملت ایران تأکید می‌کند:

حق تشکلهای مستقل،

حق اعتصاب قانونی،

امنیت شغلی،

و دستمزد عادلانه متناسب با هزینه واقعی زندگی،

از حقوق بنیادین و غیرقابل سلب مزدبگیران است و نقض آن‌ها، تضعیف مستقیم بنیان‌های مردم‌سالاری به‌شمار می‌آید.

۳. زنان و تحقق برابری کامل حقوق شهروندی

تبعیض علیه زنان، ماهیتی ساختاری و حقوقی دارد. نابرابری در دستمزد،



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵





هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

## \*بیانیه شماره ۲ دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران در خصوص حوادث اخیر

ضرورت مسؤولیت پذیری، آشتی ملی و بازگشت بی قید و شرط به اراده مردم

در شرایطی که ایران با انباشت بی سابقه ای از بحران های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مواجه است، دیگر نمی توان با انکار، فرافکنی و روایت سازی های تکراری، واقعیت را پنهان کرد.

امروز بیش از هر زمان روشن شده است که ریشه بخش بزرگی از این بحران ها، نه در «دشمنان فرضی»، بلکه در مسؤولیت گریزی ساختاری، ناکارآمدی مزن، فساد سیستماتیک، تبعیض نهادینه و بی اعتنائی مستمر به اراده مردم نهفته است. سال هاست که حاکمیت، به جای پذیرش سهم خود در وضعیت موجود، ناکامی ها را به بیرون نسبت داده و با آدرس های غلط، جامعه را در چرخه ای فرساینده از بحران، سرکوب و بی اعتمادی گرفتار کرده است.

نتیجه این رویکرد، چیزی جز انسداد سیاسی، انسداد اجتماعی، فروپاشی سرمایه اجتماعی و نابودی امید عمومی نبوده است.

امروز باید صریح گفت:

«بازداشت، زندان، تهدید و ارباب نه راه حل بحران است و نه حتی مُسکن آن».

این ابزارها تنها نشانه ناتوانی در مواجهه صادقانه با واقعیت اند و خود به تشدید بحران مشروعیت دامن می زنند.

راه برون رفت روشن است:

بازگشت به مردم، نه بازداشت مردم.

هیچ کشوری با سرکوب از بحران عبور نکرده است.

هیچ حکومتی با دشمن سازی دائمی مشروعیت از دست رفته را بازسازی نکرده است.

و هیچ جامعه ای بدون اعتماد عمومی، به ثبات و توسعه دست نیافته است.

دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران تأکید می کند که عبور مسالمت آمیز از وضعیت کنونی، تنها بر پایه اصول بنیادین زیر امکان پذیر است:

۱. آشتی ملی؛ پایان سیاست حذف و بازسازی اعتماد ویران شده

آشتی ملی یک شعار تزئینی یا تاکتیکی نیست؛

یک ضرورت تاریخی و شرط بقا و آینده ایران است.

کشوری که بخش بزرگی از شهروندانش خود را حذف شده، تحقیر شده یا در معرض تهدید دائمی می بینند، قادر به ساختن آینده نخواهد بود.

آشتی ملی یعنی:

-پایان دادن به دوگانه سازی های خطرناک و ویرانگر «خودی/غیرخودی»

-به رسمیت شناختن رنج ها، خسارت ها و زخم هایی که بر مردم ایران تحمیل شده است

-گشودن درهای گفت و گوی ملی میان همه جریان ها و دیدگاه ها، بدون پیش شرط های امنیتی و حذف گرایانه

-بازگشت به ملت به عنوان منبع مشروعیت، نه پناه بردن به روایت های امنیتی و توجیه گر

-آشتی ملی یعنی ترمیم اعتماد عمومی؛ نه تعمیق شکاف ها و استمرار سیاست طرد.

۲. عفو عمومی و بازگشت آزادانه مهاجران؛ توقف خود ویرانگری و احیای سرمایه انسانی

در سال های گذشته، هزاران ایرانی لایه ویژه جوانان، نخبگان و نیروهای متخصص -نه از سر میل، بلکه از سر اجبار، ترس و ناامنی روانی و شغلی، کشور را ترک کرده اند. این مهاجرت گسترده، نتیجه مستقیم فشارهای امنیتی، پرونده سازی های سیاسی، تبعیض ساختاری، فروپاشی فرصت های شغلی و نابودی امید به آینده ای قابل پیش بینی است.

ادامه این روند، چیزی جز تهی سازی ایران از سرمایه انسانی و تضعیف بنیان های توسعه نیست.

عفو عمومی و بازگشت آزادانه مهاجران یعنی:

پایان دادن به پرونده سازی های سیاسی و امنیتی

بازگرداندن نیروی انسانی ای که کشور به شدت به آن نیاز دارد

ترمیم پیوندهای گسسته میان ملت و حاکمیت

ایجاد شرایطی که جوان ایرانی بتواند در وطن خود بماند، کار کند، رشد کند و آینده بسازد

باید صریح گفت:

هیچ کشوری با فراری دادن بهترین فرزندانش آباد نشده است.

۳. رجوع به مردم از طریق رفراندوم؛ اصل فراموش شده حاکمیت ملت

در قانون اساسی ایران، اصلی صریح و روشن وجود دارد که سال هاست عملاً به محاق رفته است:

اصل رجوع به رأی مستقیم مردم از طریق رفراندوم.

وقتی انسداد سیاسی عمیق می شود،

وقتی شکاف دولت-ملت به مرز خطرناک می رسد،

وقتی اعتماد عمومی فرو می ریزد،

تنها راه مشروع، عقلانی و مسالمت آمیز، پرسیدن نظر مردم است.

رفراندوم تهدید نیست.

رفراندوم بحران ساز نیست.

رفراندوم ابزار حل بحران از مسیر اراده ملت است.

ترس از رأی مردم، نشانه قدرت نیست؛

نشانه بحران مشروعیت است.

۴. نقد مسؤولانه اپوزیسیون؛ پایان هیجان زدگی و احترام به جان مردم

مسؤولیت پذیری، صرفاً متوجه حاکمیت نیست.

بخشی از نیروهای سیاسی خارج از ساختار قدرت لادر داخل و خارج کشور لاینز باید با شجاعت، سهم خود را در وضعیت امروز بپذیرند.

در سال های اخیر، برخی جریان ها با شعارهای حداکثری، تحلیل های غیرواقع بینانه، و تحریک احساسات عمومی بدون ارائه مسیر عملی، جامعه ای بی دفاع را به میدان هایی کشاندند که هزینه اصلی آن را مردم عادی، خانواده ها و نسل جوان پرداختند.

نقداین رویکردها، نه تضعیف جنبش اجتماعی است و نه هم صدایی با سرکوب؛ بلکه دفاع از عقلانیت جمعی و جلوگیری از تکرار چرخه های پرهزینه شکست است.

نقد مسؤولانه اپوزیسیون یعنی:

پرهیز از شعارهای بزرگ بدون پشتوانه واقعی

خودداری از تحریک هیجانی جامعه بدون راهبرد مشخص

پذیرش اشتباهات و بازنگری صادقانه در روش ها

احترام به جان، امنیت و کرامت مردمی که همواره بیشترین هزینه را می پردازند

کنار گذاشتن رقابت های فرساینده و اولویت دادن به منافع ملی

باید با صراحت گفت:

هیچ تغییر پایداری با هیجان زدگی، بی برنامه گی یا اتکای صرف به فضای مجازی شکل نمی گیرد.

سخن پایانی

ایران زخمی است، اما زنده است.

مردم خسته اند، اما شکست خورده نیستند.

و هیچ قدرتی -اگر خود را مطلق و پاسخ ناپذیر بداند- نمی تواند برای همیشه در برابر خواست جمعی ملت برای زندگی شرافتمندانه بایستد.

اگر امروز کشور در انسداد فرو رفته است،

راه حل آن نه زندان است،

نه تهدید،

نه فرافکنی.

راه حل، بازگشت شجاعانه و صادقانه به مردم است؛

از مسیر آشتی ملی، عفو عمومی، بازگشت آزادانه مهاجران، نقد مسؤولانه همه نیروهای سیاسی، و رجوع بی واسطه به رأی ملت.

دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران

\*پهمن ۱۴۰۴\*



## \* بسم الله الرحمن الرحيم (بیانیه حزب اراده ملت ایران)

ملت غیور و شریف ایران  
میهن عزیزمان در یکی از تاریخی ترین مقاطع خود در دوران معاصر قرار دارد؛ تجاوز رژیم صهیونیستی با پشتیبانی و همراهی رژیم آمریکا به خاک پاک کشورمان شرایطی را به وجود آورده که از بیش از هر زمان دیگری اتحاد و انسجام ملی را حائز اهمیت قرار داده است.

محور اتحاد در هر ساختار سیاسی، گفتمان غالب بر پایه رهبری عادلانه و هوشمندانه است. بعد از شهادت مقام معظم رهبری، انتخاب فرزند فاضل و برومند ایشان ثبات نظام جمهوری را استوار کرد.

بی شک با پشتیبانی، اتحاد و انسجام ملی در حمایت و پیروی از حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای می تواند پنجره ای جدید رو به عصر توسعه و ثبات و آرامش در کشور را فراهم کند.

ملت بزرگ و شریف ایران نیز با استقبال مدبرانه از انتخاب مجلس خبرگان رهبری نشان داد که این سرزمین از ظرفیت های عظیم تاریخی، فرهنگی و نهادی برای عبور از دشوارترین آزمون ها برخوردار است.

حزب اراده ملت ایران از درگاه خداوند متعال برای رهبر سوم نظام جمهوری اسلامی، جناب آقا سید مجتبی حسینی خامنه ای در تقبل این مسئولیت سترگ، توفیق، سلامت و سربلندی در پاسداری از ارکان نظام و پیشبرد مسیر توسعه و آبادانی ایران عزیز را مسئلت دارد.

روابط عمومی حزب اراده ملت ایران  
۱۸ اسفند ماه ۱۴۰۴

تاسیس ۱۳۶۹



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

## \*بیانیه حزب اراده ملت ایران به مناسبت روز جهانی کارگر و همبستگی با تمامی مزدبگیران\*

«هزینه درگیری ها بر دوش مزدبگیران؛  
فراخوان برای عدالت و ثبات اجتماعی»

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران، با ایستادن در کنار تمامی نیروهای مولد جامعه، از کارگران، معلمان، کادر درمان و تمامی مزدبگیرانی که در میانه چالش های اقتصادی و امنیتی گرفتار شده اند، حمایت می کند. ما امروز در شرایطی هستیم که اثرات بحران های اقتصادی با پیامدهای ناشی از تنش های منطقه ای، به شکلی مستقیم و آسیب زا، بر زندگی مردم تأثیر گذاشته است.

ما با نگرانی عمیق به این حقیقت نگاه می کنیم که چگونه اولویت بندی های بودجه ای در مسیر مدیریت تنش های امنیتی، بیشترین فشار را بر مزدبگیران این سرزمین وارد می کند. در حالی که بخش بزرگی از منابع مالی کشور به سمت تقویت ظرفیت های دفاعی و مدیریت بحران های امنیتی سوق داده می شود، پیامدهای این تصمیمات استراتژیک، به شکل «تورم»، «کاهش قدرت خرید» و «فشار بر معیشت» مستقیماً با زندگی مردم گره می خورد.

یکی از تلخ ترین پیامدهای این چرخه، پدیده «تعدیل نیروهای گسترده» است. تحت تأثیر فشار ناشی از نوسانات اقتصادی و هزینه های ناشی از ناپایداری های منطقه ای، بسیاری از سازمان ها و صنایع، به جای بازنگری در ساختارهای مدیریتی، راه سهل و سریع «تعدیل نیرو» را برمی گزینند. این اقدام، نه تنها امنیت شغلی را از میان می برد، بلکه موجی از «خانه نشینی اجباری» را میان هزاران مزدبگیر و کارگر ایجاد می کند؛ پدیده ای که فراتر از یک مشکل شغلی، یک چالش جدی اجتماعی است که می تواند ثبات جامعه را متزلزل کند.

مادر حزب اراده ملت ایران، بر این باوریم که «صلح و رفاه، دوروی یک سکه هستند». بدون ثبات در منطقه، هیچ برنامه ای توسعه ای نمی تواند به ثمر برسد و بدون امنیت شغلی، هیچ ساختار اجتماعی پایداری نمی تواند در میان جامعه ای که با فقر و بیکاری دست و پنجه نرم می کند، ریشه بدواند.

مطالبات بنیادین ما شامل موارد زیر است:

۱. توقف فشار بر معیشت در سایه چالش های امنیتی: هزینه های ناشی از تنش های سیاسی و نظامی نباید از طریق کاهش ارزش حقوق، حذف یارانه ها و تضعیف قدرت خرید مزدبگیران جبران شود.
۲. حمایت از امنیت شغلی و مقابله با تعدیل های بی رویه: دولت و نهادهای نظارتی باید از تبدیل شدن «تعدیل نیرو» به ابزاری برای پوشش هزینه های ناشی از بحران های غیرمحلّی جلوگیری کنند. حمایت از حقوق کارگران در برابر بیکاری اجباری، یک اولویت ملی است.
۳. حق چانه زنی و تقویت نهادهای صنفی: تنها با تقویت سازمان های صنفی و اتحادیه ها است که مزدبگیران می توانند در برابر موج کاهش حقوق و تعدیل ها، از حقوق قانونی خود دفاع کنند.
۴. تغییر اولویت های بودجه ای به سمت توسعه: ما خواهان سیاستی هستیم که بخش قابل توجهی از بودجه ها را به سمت ایجاد اشتغال، حمایت از تولید ملی و ارتقای کیفیت زندگی مردم سوق دهد.

همسنگران و همبستگان!  
هموندان عزیز حامی!

زمان آن فرا رسیده است که بدانیم ما در یک کشتی واحد نشسته ایم. از کارگر کارخانه تا کارمند اداره، از معلم تا پرستار، همگی با یک چالش مشترک روبرو هستیم: «ساختاری که هزینه های بحران را بر دوش ضعیف ترین ها می اندازد».

بیایید در این روز، عهد کنیم که در برابر این فشارها، عقب ننشینیم. راه رسیدن به صلح واقعی و عدالت اجتماعی، از میان ایستادگی مادر برابر این چالش های مشترک می گذرد.

زنده باد اتحاد مزدبگیران و کارگران؛ زنده باد عدالت اجتماعی

دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران  
اول ماه مه / یازدهم اردیبهشت ۱۴۰۵



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

اخبار حزبی

مدیر ارشد  
خبر اراده

تاسیس ۱۳۶۹





هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

# اخبار حزبی



مریم کوشکی

## تعویق برگزاری کنگره یازدهم حزب اراده ملت ایران



کنگره یازدهم حزب اراده ملت ایران که قرار بود روز ۱۳ اسفندماه برگزار شود، به دلیل تحولات اخیر و آغاز جنگ در هفته پایانی پیش از برگزاری، به تعویق افتاد.

بر اساس اعلام این حزب، تمامی مراحل و مقدمات برگزاری کنگره پیش از این طبق روال قانونی در حال انجام بود و حتی نماینده وزارت کشور نیز معرفی شده بود. با این حال، همزمان با شروع درگیری‌ها و تعطیلی گسترده فعالیت‌ها، امکان برگزاری این رویداد فراهم نشد.

حزب اراده ملت ایران اعلام کرده است که همچنان پیگیر تعیین زمان جدید برای برگزاری کنگره است، اما کمیسیون ماده ۱۰ احزاب فعلاً برگزاری آن را امکان‌پذیر ندانسته و اعلام کرده است زمان جدید پس از فراهم شدن شرایط پایدار و مناسب اطلاع‌رسانی خواهد شد.

## انتشار شماره ۳۰ فصلنامه خاطرات سیاسی

سی‌امین شماره فصلنامه خاطرات سیاسی (پاییز ۱۴۰۴) منتشر شد. در تازه‌ترین شماره این نشریه، پرونده اصلی به رویداد تاریخی بهار پراگ و تجربه انقلاب مخملی در چکسلواکی سابق و کارویژه نویسندگان و ادیبان در این تحول سیاسی پرداخته شده است. علاوه بر آن، گزارشی تفصیلی از نخستین آیین شب‌های خاطرات سیاسی که به بزرگداشت محمد توسلی اختصاص یافته بود در این شماره درج شده است. همچنین جستارها و گفتارهای متنوعی درباره موضوعات مختلف مرتبط با تاریخ شفاهی سیاسی در ایران معاصر در شماره ۳۰ این مجله منتشر شده است.

فصلنامه خاطرات سیاسی در روزنامه‌فروشی و کتابفروشی‌های معتبر و سایت طاقچه، قابل دسترسی است.



## صدور بیانیه حزب اراده ملت ایران به مناسبت روز جهانی کارگر

حزب اراده ملت ایران با انتشار بیانیه‌ای به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، ضمن اعلام همبستگی با کارگران، معلمان، کادر درمان و تمامی مزدبگیران، نسبت به افزایش فشارهای اقتصادی و کاهش امنیت شغلی در کشور ابراز نگرانی کرد.

به گزارش روابط عمومی حزب اراده ملت ایران، در این بیانیه آمده است که پیامدهای ناشی از بحران‌های اقتصادی و تنش‌های منطقه‌ای، به‌طور مستقیم معیشت و زندگی اقشار مزدبگیر را تحت تأثیر قرار داده و موجب افزایش تورم، کاهش قدرت خرید و تشدید مشکلات معیشتی شده است.

دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران در ادامه، تعدیل گسترده نیرو در برخی صنایع و سازمان‌ها را یکی از تلخ‌ترین نتایج وضعیت کنونی دانسته و تأکید کرده است که امنیت شغلی کارگران و مزدبگیران نباید قربانی فشارهای اقتصادی و ناپایداری‌های منطقه‌ای شود. در بخش دیگری از این بیانیه، حزب اراده ملت ایران با تأکید بر پیوند میان صلح، توسعه و رفاه اجتماعی، خواستار تغییر اولویت‌های بودجه‌ای به نفع تولید، اشتغال و ارتقای کیفیت زندگی مردم شده است.

این حزب همچنین چهار مطالبه اصلی خود را شامل جلوگیری از انتقال هزینه بحران‌ها به معیشت مردم، حمایت از امنیت شغلی و مقابله با تعدیل‌های بی‌رویه، تقویت نهادهای صنفی و حق چانه‌زنی، و هدایت سیاست‌های اقتصادی به سمت توسعه و اشتغال اعلام کرده است.

در پایان این بیانیه، دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران بر ضرورت همبستگی میان تمامی مزدبگیران و اقشار مختلف جامعه تأکید کرده و عدالت اجتماعی و امنیت شغلی را از مهم‌ترین الزامات ثبات و توسعه کشور دانسته است.



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵



## آخرین اخبار از انتشارات حزب اراده ملت ایران

انتشارات حزب اراده ملت ایران در راستای تقویت بنیان های علمی، ترویج گفتمان اندیشه روری و ارتقای سطح دانش در حوزه های حکمرانی و سلامت عبارتند از:

- ۱- کتاب اندیشکده ها باید چه کاری انجام بدهند
- ۲- کتاب پزشکی در مقیاسی گسترده؛ تاریخ های جهانی پزشکی اجتماعی
- ۳- کتاب بیهوشی و عدالت در نظام سلامت جهانی، با نگاه ویژه ایران
- ۴- کتاب نقش و کارکرد فراکسیون در احزاب سیاسی
- ۵- کتاب جست و جوی جهانی برای ایده آل ترین نظام سلامت
- ۶- کتاب جنبه های اخلاقی در مراقبت های بیمار محور بر پایه مثال
- ۶ عنوان کتاب تخصصی و کاربردی را به طور همزمان روانه بازار نشر کرد. این آثار که حاصل تلاش های پژوهشی و ترجمه کارشناسان برجسته ای همچون افشین فرهانی و زهره رحیمی است، طیف گسترده ای از مباحث مربوط به توسعه سیاسی، اخلاق پزشکی و اصلاح نظام های سلامت را پوشش می دهند.

در ادامه، جزئیات این ۶ اثر ارزشمند که توسط انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر شده اند، ارائه می گردد:

### ۱. تقویت ساختارهای سیاسی و نهاد های مدنی

در بخش نخست این انتشارات، دو کتاب محوری برای فعالان سیاسی و سیاست گذاران ارائه شده است:

\* «اندیشکده ها باید چه کاری انجام دهند؟»: این کتاب به قلم جیمز مک گان و ترجمه محمدمهدی پریش، به کالبدشکافی نقش حیاتی اتاق های فکر در دنیای معاصر می پردازد و راهکارهای عملی برای اثر گذاری این نهادها بر سیاست گذاری های کلان را بررسی می کند.

\* «نقش و کارکرد فراکسیون ها در احزاب سیاسی»: تألیف افشین فرهانی؛ اثری است که با تمرکز بر پویایی های درونی تشکلهای، به بررسی جایگاه قانونی و عملیاتی فراکسیون ها در انسجام بخشی به احزاب و پیشبرد اهداف سیاسی می پردازد.

### ۲. واکاوی الگوها و تاریخ نظام های سلامت

بخش دوم آثار بر مطالعات تطبیقی و ریشه های تاریخی سلامت اجتماعی تمرکز دارد:

\* «جست و جوی جهانی برای ایده آل ترین نظام سلامت»: این کتاب نوشته تی. آر. رید، با ترجمه افشین فرهانی، زهره رحیمی و طیبه معصومی، سفرنامه ای علمی به قلب نظام های درمانی جهان است که به دنبال یافتن عادلانه ترین و کارآمدترین مدل های مراقبت های بهداشتی است.

\* «پزشکی در مقیاسی گسترده؛ تاریخ های جهانی پزشکی اجتماعی»: این اثر با ترجمه (افشین فرهانی و زهره رحیمی)، نگاهی ژرف به سیر تحول پزشکی اجتماعی در سطح بین المللی دارد و تجربه های تاریخی دولت ها در مواجهه با سلامت عمومی را بازخوانی می کند.

### ۳. عدالت، اخلاق و مراقبت های تخصصی

بخش پایانی این مجموعه، بر جنبه های اخلاقی و تخصصی تر حوزه درمان تمرکز کرده است:

\* «بیهوشی و عدالت در نظام سلامت جهانی؛ با نگاه ویژه به ایران»: تألیف و ترجمه افشین فرهانی و زهره رحیمی؛ کتابی است که برای نخستین بار چالش های دسترسی عادلانه به خدمات بیهوشی و جراحی را با نگاهی به وضعیت داخلی ایران و استانداردهای جهانی تحلیل می کند.

\* «جنبه های اخلاقی در مراقبت های بیمار محور (بر پایه ی مثال)»: این اثر با استفاده از نمونه های عینی و کیس های بالینی، راهنمایی جامع برای تصمیم گیری اخلاقی و رعایت حقوق بیمار در محیط های درمانی ارائه می دهد.

### سخن پایانی

انتشار این مجموعه ۶ جلدی توسط انتشارات حزب اراده ملت ایران، نشان دهنده رویکرد دانش محور این نهاد مدنی در مواجهه با مسائل اصلی کشور است. این کتاب ها هم اکنون برای استفاده پژوهشگران، دانشجویان علوم سیاسی و پزشکی، و فعالان حوزه های اجتماعی در دسترس قرار دارند و امید است که به غنای ادبیات مکتوب در حوزه های سیاست گذاری و توسعه پایدار کمک نمایند.



انتشارات حزب اراده ملت ایران



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵



## معارفه سرپرست جدید اداره کل سازمان‌های مردم‌نهاد و خیرین سلامت

در آیین تکریم مدیر کل سابق و معارفه سرپرست جدید اداره کل سازمان‌های مردم‌نهاد و خیرین سلامت مطرح شد: سوتیتر: تحول در مدیریت امور خیرین؛ از هوشمندسازی تا رفع موانع قانونی آئین تکریم مدیر کل سازمان‌های مردم‌نهاد و خیرین سلامت و معارفه سرپرست جدید این اداره کل روز شنبه ۲۶ اردیبهشت ماه با حضور دکتر سیدمرتضی خاتمی، معاون حقوقی و امور مجلس و زینب نصیری مشاور وزیر بهداشت در امور اجتماعی برگزار شد.

به گزارش وبدا، در این مراسم که با حضور مشاوران وزیر در امور مردمی سازی، خیرین و امور اجتماعی، مدیران و کارشناسان این حوزه برگزار شد، دکتر خاتمی ضمن قدردانی از خدمات مدیریت پیشین، بر ضرورت تحول رویکرد در جلب مشارکت‌های اجتماعی تأکید کرد.

وی اظهار داشت: برخی روش‌های سنتی در جلب نظر خیرین محترم به حوزه سلامت، پاسخگوی نیازمندی‌های امروز این حوزه نیست و باید از روشها و ابتکارات نوین، از جمله هوشمندسازی و جهت دهی مشارکت‌ها بر اساس اولویت‌ها و تسهیل‌گری برای اشخاص و مؤسسات حامی حوزه سلامت بهره برد.

دکتر خاتمی در سخنان خود بر موضوعات و محورهای کلیدی مدیریت این عرصه؛ تکمیل و هوشمندسازی بانک اطلاعاتی سازمان‌های مردم‌نهاد و امور خیرین، تسهیل فرایندهای قانونی و رفع موانع اداری از جمله امور مالیاتی خیرین در تعامل با دستگاه‌های ذیربط، رتبه‌بندی، نظارت و پایش مؤسسات خیریه، تأکید بر لزوم نگاه فراجناحی در تعاملات برای حفظ سرمایه اعتماد عمومی، تقویت همکاری‌های درون و بین بخشی و تعامل با تمامی نهادهای ذیربط تقویت از جمله تعامل مثبت با وزارت کشور، اوقاف، مجمع خیرین سلامت و سازمان‌های مردم‌نهاد حوزه سلامت در راستای بسترسازی و تقویت جلب مشارکت اجتماعی تأکید کرد.

وی در پایان ضمن تأکید بر حمایت از مدیریت سازمان‌های مردم‌نهاد دانشگاه‌ها و توانمندسازی مدیران این حوزه، بر اهمیت شناسایی دقیق نیازهای اولویت‌دار حوزه سلامت تأکید کرد.

مهندس حیدری پور، مدیر کل پیشین سازمان‌های مردم‌نهاد و خیرین سلامت، ضمن ارائه گزارشی از عملکرد اداره کل در طی ۴ سال مدیریت خود بر این حوزه، و بیان موفقیت‌ها و اقدامات بعمل آمده، برای مدیریت جدید آرزوی موفقیت نمود.

دکتر افشین فرهانچی سرپرست جدید اداره کل نیز در این مراسم ضمن تقدیر از تلاش مدیران قبلی و تشکر از حسن اعتماد به ایشان، بر اهمیت نگاه علمی به حوزه مدیریت امور خیرین و سازمانهای مردم‌نهاد تأکید کرد.

وی اظهار داشت مدیریت نوین امور خیرین، فراتر از اقدامات سنتی، نیازمند استراتژی‌های علمی مبتنی بر شناخت دقیق از نیازهای اجتماعی است.

او در ادامه خاطر نشان کرد تلاش خواهد کرد تا با بهره‌گیری از دانش و پژوهش و ترکیب آن با ظرفیت‌های موجود، گامی نو در جهت توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد و تسهیل امور خیرین سلامت بردارد.



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

## ترامپ با اظهارات ضد و نقیض در حال پیشبرد بازی خاص خود است

حکیمی پور با تأکید بر اینکه اظهارات متناقض ترامپ یک «تاکتیک حساب شده» است نه نشانه ضعف، گفت وحدت و انسجام ملی مهم ترین ابزار ایران در برابر فشارهاست و دولت در مدیریت جنگ و تأمین نیازهای مردم عملکردی قابل تحسین داشته است.



تهران - ایرنا - دبیر کل حزب اراده ملت با بیان اینکه رئیس جمهور آمریکا با اظهارات متناقض در حال پیشبرد بازی خودش است، گفت: ترامپ حرف های متناقض بسیاری بیان می کند و آنچه را که قصد انجام آن را دارد، آشکار نمی سازد؛ این رفتار ترامپ یک تاکتیک حساب شده است و نشان دهنده ضعف او نیست.

«احمد حکیمی پور» در گفت و گو با خبرنگار ایرنا، اظهارات ضد و نقیض ترامپ را شیوه سیاست ورزی او دانست و گفت: سخنان راست و دروغ ترامپ به طور کلی قابل تشخیص نیست و به عقیده من، این یکی از تاکتیک ها و روش های سیاست ورزی او محسوب می شود. ممکن است برخی این گونه برداشت کنند که مشخص نیست ترامپ چه می گوید، در حالی که من معتقدم ترامپ در حال پیشبرد بازی خاص خود است.

حکیمی پور با اشاره به اینکه مسئولان و سیاستمداران ما باید دقت لازم را نسبت به مواضع ترامپ داشته باشند و بتوانند خط اصلی و اهداف پشت پرده او را به طور کامل درک کنند، بیان کرد: این روشی است که تقریباً برای تمام مردم دنیا و سیاستمداران جا افتاده؛ روشی که طی آن آقای ترامپ حرف های متناقض بسیاری بیان می کند و در نهایت آنچه را که قصد انجام آن را دارد، آشکار نمی سازد. معتقدم این رفتار ترامپ یک تاکتیک حساب شده است و نشان دهنده ضعف او نیست.

### ترامپ هرگز نمی تواند میان مسئولان ما شکاف ایجاد کند / مراقب شکاف داخلی باشیم

وی در ارزیابی عملکرد رئیس جمهور آمریکا و تلاش های او برای ایجاد شکاف میان مسئولان ایران، اظهار کرد: ترامپ هرگز نمی تواند در میان مسئولان ما شکاف ایجاد کند؛ بلکه این ما هستیم که باید مراقب باشیم از بیرون شکافی ایجاد نشود. رقیب و دشمن، حرف خود را بیان کرده و کار خود را دنبال می کند. مهم این است که طرف مقابل (مسئولان ما) حواسش جمع باشد که در دام و تله بازی های دشمن نیفتد.

### وحدت و یکدلی ضامن پیروزی و موفقیت مادر جنگ است

دبیر کل حزب اراده ملت با بیان اینکه طبیعتاً مسئولان ما نیز هوشیاری لازم را در این زمینه دارند و بارها تأکید کرده اند که با وحدت و یکدلی پیش می روند و در عمل نیز همین گونه است، یادآور شد: این همان ضامن پیروزی و موفقیت ماست. در غیر این صورت، مشخص است که آمریکا، اسرائیل و سایر دشمنان این کشور، منافع خود را دنبال خواهند کرد و در پی ایجاد تفرقه و دل سردی در کشور ما هستند. امیدی که تاکنون بی ثمر بوده، ان شاء الله در آینده نیز بی ثمر خواهد بود و مردم و مسئولین همچنان با یکدلی و اتحاد در کنار هم برای پاسداری از کشور و منافع ملی مان خواهند ایستاد.

نماینده ادوار مجلس با بیان اینکه نظام بین الملل، نظام رقابت بر سر منافع کشورهاست و این منافع، بسته به میزان نفوذ کشورها در سطح بین المللی و حوزه جغرافیایی آنها متفاوت است، همانطور که عمق استراتژیک ایران فقط به مرزهایش محدود نمی شود و کشورهای دیگر نیز به همین شکل عمل می کنند، افزود: بنابراین در کنار این رقابت ها، عنصر بازدارندگی و قدرت نظامی، دیپلماسی نیز اهمیت ویژه ای دارد. امیدواریم ایران که تاکنون در هر دو مسیر به خوبی پیش رفته، در ادامه نیز بتواند منافع ملی کشور را به خوبی تأمین کند.

### ایران به عنوان قدرتمندترین کشور خاورمیانه، حق اعمال حاکمیت در تنگه هرمز را دارد



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۱۰۲

۱ خرداد سال ۱۴۰۵

حکیمی پور ادامه داد: اما به طور کلی، آب‌هایی که جنبه سرزمینی دارند، تابع پروتکل‌ها و قواعد خاص خود است. در هر حال، ایران به عنوان قدرتمندترین کشور در خاور میانه و همچنین در خلیج فارس و تنگه هرمز، حق دارد حاکمیت خود را اعمال کند و بر اساس منافع ملی اش از این موقعیت ژئوپلیتیک بهره‌برداری کند. وی گفت: طبیعتاً اگر شرایط آرام شود و صلح و ثبات به منطقه باز گردد، ایران می‌تواند با همسایگانی که قرن‌ها در کنار یکدیگر در حسن همجواری زندگی کرده‌اند، این روند را تداوم بخشد.

دبیر کل حزب اراده ملت ایران تصریح کرد: به این منظور نخست باید پای بیگانگان از منطقه کوتاه شود و کشورهای منطقه با یکدیگر بنشینند و در باره منافع مشترک به تفاهم برسند. به اعتقاد من، با توجه به حسن نیتی که ایران نشان داده است، همسایگان نیز می‌توانند به راحتی به حسن همجواری با ایران اعتماد کنند و امور را پیش ببرند؛ یعنی خودشان امنیت منطقه و امنیت این آبراهه را حفظ کنند.

عضو پیشین شورای شهر تهران با اشاره به اینکه ایران در این مدت نشان داده است که زیر بار زور نمی‌رود و در دو جنگ اخیر (۱۲ روزه و ۴۰ روزه) که آمریکا و اسرائیل تصور می‌کردند به راحتی می‌توانند ایران را به زانو در آورند، عملاً موفق نشدند، اظهار کرد: در نتیجه، بهتر است با نگاهی واقع بینانه، مسائل خود را با ایران حل کنند، نه با تحمیل فشار.

امیدوارم کسانی که تصور می‌کنند با فشار و تحمیل می‌توانند اهداف خود را در دنیا و منطقه پیش ببرند، سر عقل بیایند.

### عملکرد دولت در مدیریت جنگ را تحسین می‌کنم

وی در ارزیابی خود از عملکرد دولت در مدیریت جنگ و تأمین کالاهای اساسی گفت: من در این زمینه واقعاً دولت را تحسین می‌کنم، زیرا دولت، بدون درگیر شدن در حواشی، به وظیفه اصلی خود یعنی اداره امور، برقراری نظم و امنیت داخلی کشور، و به ویژه تأمین ارزاق و رفع نگرانی‌های مردم در خصوص کمبود کالاهای نیازهای روزمره پرداخته است.

دبیر کل حزب اراده ملت ایران معتقد است: اقدامات دولت در دوره جنگ اخیر بسیار عالی بود و باید به دولت دستمیز داد. باید از دولت و دست‌اندرکاران اداره کشور قدردانی کرد که علی‌رغم همه فشارها، تهدیدها، محاصره‌ها و این جنگ بزرگ با شدت بالا که شاهد آن بودیم، توانستند کشور را به خوبی مدیریت کنند و مردم احساس کمبود در نیازهای اولیه خود ندارند.

حکیمی پور افزود: هر چند که بالاخره باید گرانی را پذیرفت، زیرا واقعیتی غیرقابل انکار است. امیدواریم دولت در برخورد با گرانفروشان و همچنین کنترل قیمت در بازار، جدی‌تر عمل کند و نگرانی‌های مردم را کاهش دهد.

### وحدت بر سر اصول اساسی همواره باید حفظ شود

وی در تحلیل خود از ضرورت حفظ منافع ملی در شرایط حساس کنونی کشور به عنوان اولویت اصلی خاطر نشان کرد: مردم ایران نشان داده‌اند که در حفظ منافع ملی و پاسداری از کیان کشور، در صحنه حضور دارند و وحدت بر سر این اصول اساسی، همان‌طور که در دوران جنگ عملاً خود را نشان داد، عنصری است که باید کماکان حفظ شود.

این فعال اصلاح طلب مهم‌ترین قدرت نرم و حتی سخت جمهوری اسلامی را وحدت و انسجام مردم بر سر منافع ملی و حفظ کشورشان خواند و یادآور شد: وحدتی که مادر این مدت بر سر اصول اساسی شاهد بودیم، به اعتقاد من، بسیار قوی‌تر از موشک‌ها عمل کرد و پیامی برای دشمنان ایران داشت مبنی بر اینکه ملت ایران در حفظ اتحاد، انسجام و منافع ملی یکپارچه هستند.

حکیمی پور در ارزیابی خود از نیاز کشور به ظرفیت «جانفدایان» پس از جنگ برای بازسازی، عنوان کرد: انسجام و وحدت ملی بزرگ‌ترین دستاوردش، کمک به بازسازی کشور و جبران خرابی‌های ناشی از جنگ است. لذا مسؤولان باید از این انرژی، توان، وحدت و همدلی که مردم در دوران جنگ از خود نشان دادند، پاسداری کنند و اجازه ندهند هدر برود.

وی تأکید کرد: این ظرفیت باید به سمت بهبود شرایط، به ویژه در بازسازی کشور پس از جنگ، هدایت شود؛ زیرا کشور بیش از هر زمان دیگری به این توان ملی برای تجلی در عرصه سازندگی نیازمند است.

### حضور شبانه مردم در حمایت از نظام و نیروهای مسلح توان ملی است

نماینده پیشین شورای شهر تهران درباره حضور شبانه مردم در خیابان‌ها و سر دادن شعار در حمایت از نظام و نیروهای مسلح و چگونگی قدردانی از این حضور، گفت: حضور شبانه مردم یک توان ملی است و به نوعی پشتیبانی از نیروهای نظامی و حافظان امنیت محسوب می‌شود. اما تنها نکته مهم در این مورد این است که نباید از این حضور بهره‌برداری سیاسی شود.

حکیمی پور با بیان اینکه باید بسیار مراقب بود که عده‌ای به حضور شبانه مردم در میادین شهرها رنگ و بوی جناحی و سیاسی ندهند، خاطر نشان کرد: مردم برای کشورشان، برای نشان دادن انسجام ملی و پاسداری از منافع ملی به صحنه می‌آیند.

وی تصریح کرد: گاهی مشاهده می‌کنیم که عده‌ای با جهت‌گیری‌های خاص، ممکن است نوعی دل‌سردی در میان مردم ایجاد کنند که این یک آفت است. لذا باید این حضورها که رنگ و بوی ملی و فرا جناحی دارد و اقبال مختلف در آن حضور دارند، به همان شکل حفظ شود.

ترامپ با اظهارات ضد و نقیض در حال پیشبرد بازی خاص خود است

گفت و گو با ایرنا

۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵، ۸:۰۶

کد خبر: ۸۶۱۵۳۳۵۶



سازمان آگهی

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را  
به آدرس پایین ایمیل

**Hgolami1367@gmail.com**

و یا

به شماره زیر از طریق واتساپ ارسال نمائید

**۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵**







## تازه های انتشارات حزب اراده ملت ایران

مجموعه سازوکار حزبی

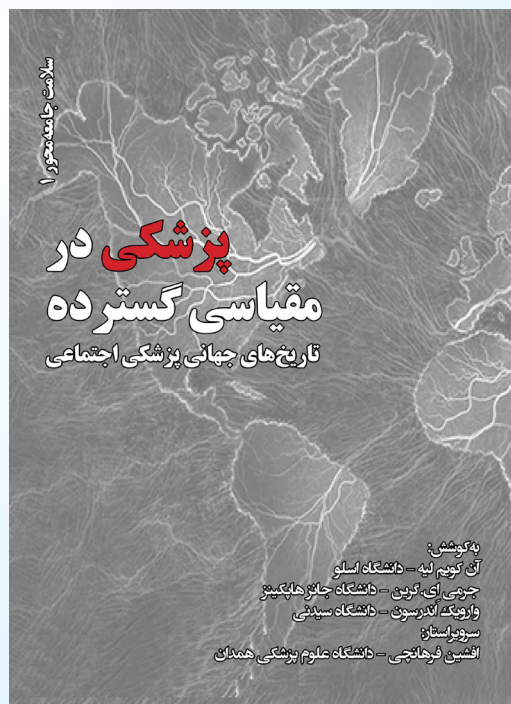
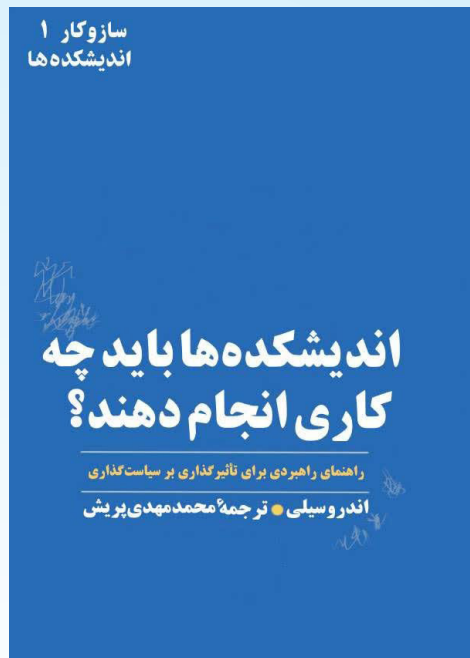
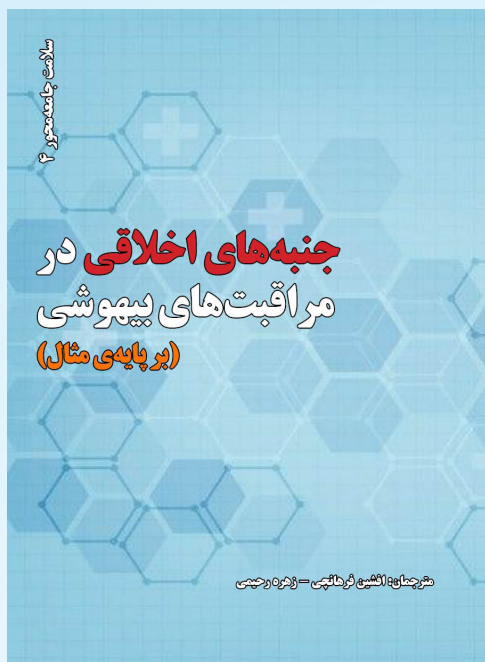
برای تهیه کتاب به غرفه انتشارات در بازار باسلام ([www.basalam.com](http://www.basalam.com)) مراجعه کنید.

نسخه الکترونیکی کتاب ها در سایت طاقچه موجود است.

مسئول فروش انتشارات: ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵

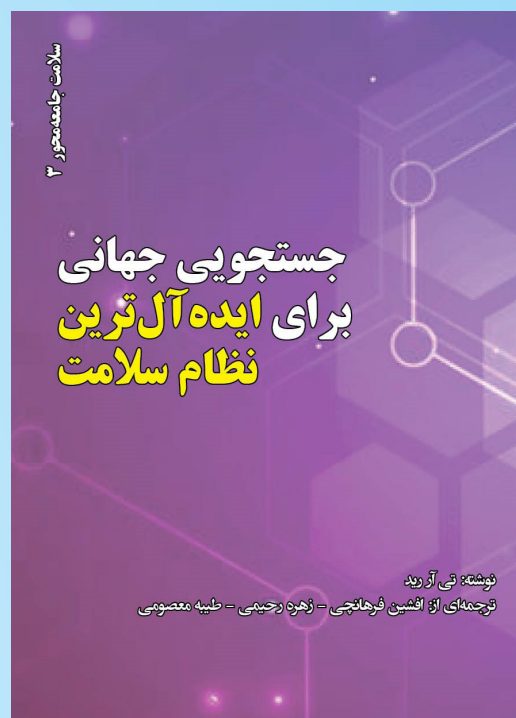


انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۳۹۵۱۵ تماس گرفته و یا در اپلیکیشن باسلام، ترب خرید نمایید.  
برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمائید.

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۳۹۵۱۵ تماس گرفته و یا در اپلیکیشن باسلام، ترب خرید نمایید.  
برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمائید.